

شخصیت شناسی

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

بر پایه کتاب و سنّت

محمد معارف



«إن الله عز وجل يحب المتكفلين»



«فما كان يحسدك إنما يحسدك لأنك أهدت من أولادك والآخرين»



## فهرست

- ۷ ◀ دیباچه
- ۹ ◀ مقدمه
- ۱۱ گستره فضایل حضرت زهرا علیها السلام در کتاب و سنت
- ۱۳ جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام در قرآن و تفسیرهای روایی
- ۱۵ الف) کوثر رسالت، نسل پاینده
- ۲۱ ب) عصمت و طهارت شاخص اهل بیت علیهم السلام
- ۲۷ ج) دوست داشتن فاطمه، پاداش رسالت
- ۳۱ د) حقوق زهرا علیها السلام در کتاب خدا
- ۳۴ ه) همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز مباحله
- ۳۸ و) نیکو کاری بزرگ
- ۴۵ جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام در حدیث و تاریخ
- ۴۵ الف) سرور بانوان دو عالم
- ۵۰ ب) حضرت زهرا علیها السلام، محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۵۴ ج) حضرت زهرا علیها السلام تربیت شده پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۵۹ منظومه اعتقادی حضرت زهرا علیها السلام

- ۶۱ درسی از مکتب فکری حضرت زهرا علیها السلام
- ۶۵ حضرت زهرا علیها السلام و دفاع از رسالت و ولایت
- ۶۶ الف) دفاع از رسالت
- ۶۷ ب) دفاع از ولایت
- ۷۱ پاکدامنی و عفاف حضرت زهرا علیها السلام
- ۷۵ بررسی سیره عبادی حضرت زهرا علیها السلام
- ۷۹ مصداق‌هایی از عبادت حضرت زهرا علیها السلام
- ۸۰ گذشت و انفاق در سیره عبادی حضرت زهرا علیها السلام
- ۸۵ شکوه و جلال فاطمه علیها السلام در قیامت
- ۸۹ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
- ۹۱ ◀ کتابنامه

## دیباچه

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، دختر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و محبوب‌ترین انسان‌ها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله است. او سرور بانوان دو عالم، معصوم از هر لغزش و خطا، معیاری برای تجلی رضا و خشم الهی، تجسم تقوا و معنویت، الگویی شایسته برای به کمال رسیدن انسان در دنیا و شفיעی دلسوز و مهربان برای نجات مؤمنان در آخرت است.

منبعی بهتر از قرآن و حدیث برای پی بردن به گوشه‌ای از مقام والای این بانو وجود ندارد. در قرآن سوره‌ای در مقام آن حضرت نازل شده و تأویل بسیاری از آیات بر آن حضرت منطبق است. در روایات نیز، به مقام‌های معنوی بی‌شمار ایشان اشاره شده است.

این نوشتار کوششی مختصر برای معرفی گوشه‌ای از شخصیت این بانوی بی‌بدیل است که با تکیه به آیات قرآن و روایات شیعیان و اهل سنت، به قلم محقق گرامی، دکتر مجید معارف نگارش شده و با اینکه مختصر است،

مطالب سودمندی دارد.

این کتاب، جزئیات زندگی حضرت زهرا علیها السلام، و فضایل آن بزرگوار را به صورت گسترده بیان نمی‌کند و فقط مهم‌ترین فضایل بانوی دو جهان را با استفاده از آیات و روایات بازگو می‌کند.

امید است این نوشته، مورد توجه صاحب‌نظران قرار گیرد و برای شناسایی پاره‌ای از فضایل آن حضرت سودمند باشد.

در پایان، پژوهشکده حج و زیارت بر خود لازم می‌داند از زحمات مؤلف محترم و نیز، تمام کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کردند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه تاریخ و سیره



## مقدمه

فاطمه زهرا علیها السلام کوچک‌ترین دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و فضایی داشت که دیگر فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از آن بی‌بهره بودند. شناخت این فضایل و علل اختصاص آنها به حضرت زهرا علیها السلام از موضوعاتی است که نظر هر انسانی را به خود جلب می‌کند. به‌خصوص که این فضایل، نقش مهمی در شناخت حضرت فاطمه علیها السلام دارند و شناخت آن حضرت نیز، زمینه مناسبی را برای الگوپذیری از ایشان فراهم می‌کند.

گسترده‌گی فضایل حضرت فاطمه علیها السلام در منابع علمی، به‌ویژه در روایات اهل سنت، چشمگیر است. نمونه‌هایی از این روایات را در جوامع حدیثی، تفسیرهای روایی و کتاب‌های تاریخ و سیره می‌توان دید که بیانگر ابعاد گوناگون شخصیت بانوی برگزیده دو عالم است. بنابر این روایات، حضرت فاطمه علیها السلام کانون اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ایشان، از هرگونه خطا معصوم، تداوم‌بخش نسل پیامبر صلی الله علیه و آله

سرور زنان دو عالم، محبوب‌ترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه به حقایق دینی و در دفاع از رسالت و ولایت استوار بوده است. از این رو ایشان پیشوای مؤمنان و الگویی بسیار شایسته برای انسان‌ها، به ویژه بانوان است. گفتنی است که این اثر، برگرفته از دو مقاله علمی است: مقاله نخست «سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن»<sup>۱</sup> و مقاله دیگر، «شاخصه‌های ایمان در الگوی فکری - رفتاری حضرت فاطمه علیها السلام»<sup>۲</sup> که با بازبینی کلی در مباحث، به ویژه با تقویت اسناد و افزودن مطالبی دیگر و نیز، اصلاح ساختار کتاب به گونه‌ای تازه عرضه می‌گردد. ضمن قدردانی از دست‌اندرکاران چاپ و انتشار این اثر، به خصوص ریاست محترم پژوهشکده حج و زیارت، امید است که خداوند این خدمت علمی را بپذیرد و همه ما را از موالیان اهل بیت علیهم السلام قرار دهد.

و من الله التوفیق

مجید معارف، دانشگاه تهران

زمستان ۱۳۹۱

---

۱. اولین بار در فصلنامه کتاب زنان به شماره ۳۹ به چاپ رسید.  
 ۲. نخستین بار در همایش ابعاد شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام در معرض دید قرار گرفت و در مجله علمی المنهاج، به شماره ۱۰ ویژه‌نامه همین همایش به چاپ رسید.

## گستره فضایل حضرت زهرا علیها السلام

### در کتاب و سنت

فضایل حضرت زهرا علیها السلام در منابع گوناگون علمی وارد شده است که بررسی آنها ما را با جایگاه آن بزرگوار در آیات و روایات آشنا می‌کند. این منابع این‌گونه دسته‌بندی می‌شوند:

- تفاسیر اثری؛ در این تفاسیر، مفسر آیاتی را که درباره اهل بیت علیهم السلام یا حضرت فاطمه علیها السلام نازل شده و روایات شأن نزول این آیات را آورده است و گاهی درباره مضمون آن آیات و سازگاری آن فضایل با اهل بیت علیهم السلام - به‌ویژه حضرت زهرا علیها السلام - بحث می‌کند.<sup>۱</sup>

- جوامع بزرگ حدیثی که در بیشتر آنها، بخش‌هایی با

---

۱. رک: جامع البیان، طبری، ج ۶، ص ۱۲؛ الدر المنثور، سیوطی، ج ۶، ص ۴۰۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، ج ۳، ص ۴۹۳ و ج ۴، صص ۵۹۶ - ۵۹۸؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلة فی اهل البیت علیهم السلام، حاکم حسکانی، ج ۲، ص ۱۳۰.

عنوان «مناقب فاطمه بنت رسول الله» یا شبیه آن دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

- کتب سیره و رجال، به‌ویژه کتاب‌هایی که درباره سیره صحابه تألیف شده است.<sup>۲</sup>

- کتب مستقل روایی، مانند مُسندهای حضرت زهرا علیها السلام که در آنها روایات آن حضرت یا روایاتی درباره سیره ایشان گردآوری شده است.<sup>۳</sup>

- کتبی که به‌طور ویژه، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام را شرح می‌دهد و با استفاده از آیات و روایات مختصر یا گسترده، فضایل آن بزرگوار را آشکار می‌کند.<sup>۴</sup>

اما در این کتاب، بدون پرداختن به جزئیات زندگانی حضرت زهرا علیها السلام یا بیان گسترده فضایل آن بزرگوار، فقط مهم‌ترین فضایل بانوی دو جهان را با استفاده از آیات و روایات شرح می‌دهیم.

۱. ر.ک: المستدرک، نیشابوری، ج ۳، صص ۳۶۱ - ۳۷۴ و ج ۴، صص ۱۹۰۲ - ۱۹۰۶؛ سنن الترمذی، ترمذی، ج ۵، صص ۶۵۵ - ۶۵۸؛ الصحيح، بخاری، ج ۵، صص ۸۲ - ۸۵.
۲. ر.ک: الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۸، صص ۱۶ - ۲۵؛ اسد الغابة، ابن اثیر جزری، ج ۳، صص ۲۲۰ - ۲۲۶.
۳. ر.ک: فضائل فاطمة الزهراء، ابو حفص عمر بن احمد (ابن شاهین)؛ مسند فاطمه بنت رسول الله؛ احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۸۳؛ همچنین این عنوان در الجامع الكبير سیوطی (قسم الافعال) که مستقلاً نیز با عنوان «مسند فاطمة الزهراء و ما ورد فی فضلها» به تحقیق فؤاد احمد زمزلی به طبع رسیده و مشتمل بر ۲۸۴ حدیث درباره حضرت فاطمه علیها السلام است.
۴. تعداد این کتاب‌ها که علمای شیعه و اهل سنت نوشته‌اند، بسیار است که از برخی آنها در این اثر استفاده شده است. نیز ر.ک: نرم افزار ریحانه.

## جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام در قرآن و تفسیرهای روایی

آیات عام یا خاص بسیاری درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نازل شده است. آیات عام، آیاتی است که در شأن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده که حضرت زهرا علیها السلام نیز از مصداق‌های آن است؛ مانند آیه مباحله، تطهیر، مودت و... آیات خاص نیز آیاتی است که شأن نزول آن فقط مخصوص حضرت فاطمه علیها السلام بوده و بیانگر فضیلت یا حقوقی برای آن حضرت است؛ از قبیل سوره کوثر و آیه ذی‌القربی.

درباره هر دو گروه آیات، روایت‌هایی<sup>۱</sup> در تفسیرهای اثری شیعه و سنی وارد شده است. حجیت این روایات، با

---

۱. این روایات، اصطلاحاً روایات تفسیری نام دارد و محتوایشان توضیحات رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این آیات است و آیات قرآن، به حجیت روایات و سنن پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید می‌کند؛ ر.ک: (نجم: ۲-۴)؛ (نساء: ۵۹ و ۸۰)؛ (نحل: ۴۴)؛ (احزاب: ۳۶).

فرض صحت سند یا تواتر سندی، بدیهی است؛ در نتیجه از مدارک مهم، برای تفسیر قرآن می‌باشند که از استناد به آنها گریزی نیست.<sup>۱</sup>

پس از روایات نبوی، دانشمندان اهل سنت، گفته‌ها و نظریه‌های صحابه را روایت تفسیری دانسته و به آن استناد می‌کنند؛ زیرا آنان معتقدند از آنجا که صحابه در روزگار نزول قرآن می‌زیستند، علوم خود را از پیامبر می‌آموختند و داناترین افراد به اوضاع جامعه و فضای نزول آیات بودند<sup>۲</sup>؛ اما دانشمندان شیعه، اعتقادی به حجیت آرای صحابه ندارند<sup>۳</sup> و فقط درباره سبب نزول آیات و مواردی که خالی از رأی و اجتهاد آنان باشد و تنها به حکایت از مشاهدات خود درباره چگونگی نزول آیات یا تطبیق مفاد آن بر مصادیق منحصر باشد، معتبر می‌دانند و در تفسیرهای خود به آن استناد می‌کنند.<sup>۴</sup>

ناگفته نماند از دیدگاه شیعه، پس از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. رک: مناهل العرفان فی علوم القرآن، زرقانی، ج ۱، ص ۴۸۱؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴؛ التبیان، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴؛ مبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، علی الصغیر، ص ۸۶.

۲. تفسیر قرآن العظیم، ج ۱، ص ۴؛ البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، ج ۲، ص ۱۷۲؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۸۱.

۳. التبیان الجامع لعلوم القرآن، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴؛ المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، ص ۴۴، علی الصغیر، صص ۶۶ - ۶۷؛ حجیت مأثور از صحابه، مهدوی راد، ص ۶۹.

۴. التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۲، ص ۹۸.

فقط روایات اهل بیت علیهم السلام اعتبار شرعی دارد؛ چرا که علم و عصمتشان، آنان را از دیگر صحابه متمایز کرده و از این رو قول و فعل آنان، مانند قول و فعل پیامبر صلی الله علیه و آله حجیت دارد.<sup>۱</sup> با این توضیح، فضایل حضرت زهرا علیها السلام را با توجه به روایت‌های تفسیری، در تعداد محدودی از آیات قرآن بررسی می‌کنیم:<sup>۲</sup>

### الف) کوثر رسالت، نسل پاینده

نخستین موضوعی که درباره حضرت زهرا علیها السلام در قرآن آمده این است که قرآن، آن بزرگوار را مصداق بارز کوثر و تداوم بخش نسل پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند؛ مفسران، در سبب نزول سوره کوثر نوشته‌اند، از آنجا که پسران رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام حیات آن بزرگوار از دنیا رفتند، برخی از مشرکان، مانند عاص بن وائل، ولید بن مغیره،

---

۱. درباره حجیت قول و فعل امامان شیعه، از جمله روایات تفسیری آنان، دلایل مهمی در قرآن و روایات وجود دارد. در قرآن می‌توان به سوره واقعه، آیه ۷۹ و سوره احزاب، آیه ۳۱ اشاره کرد. المیزان، طباطبایی، ج ۱۹، ص ۱۳۷. در روایات نیز می‌توان به حدیث ثقلین که از روایات متواتر و قطعی‌الصدور است، اشاره کرد، بحارالانوار، مجلسی، ج ۲۳، صص ۱۰۵ - ۱۶۶؛ البیان فی تفسیر القرآن، خوئی، ص ۴۹۹. برای تفصیل این موضوع ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۵۳؛ مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، معارف، ص ۲۳۲.

۲. برای اطلاع بیشتر از آیاتی که در خصوص حضرت زهرا علیها السلام نازل شده است یا حضرت فاطمه یکی از مصدقین آن به شمار می‌رود ر.ک: فاطمة الزهراء فی القرآن، حسینی شیرازی.

ابوجهل، عقبه بن ابی معیط و ابولهب، پیامبر را سرزنش کردند و او را ابتر نامیدند.<sup>۱</sup> خدای تبارک و تعالی در پاسخ به سرزنش مشرکان، به خصوص عاص بن وائل سهمی، سوره کوثر را نازل کرد: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ \* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾.

این سوره به رسول خدا صلی الله علیه و آله اعطای کوثر را بشارت می‌دهد و دشمنان آن حضرت را «ابتر»، یعنی بدون نسل می‌خواند. «کوثر» در لغت به معنای خیر کثیر است.<sup>۲</sup> این واژه مصداق‌های فراوانی، همچون قرآن، علم فراوان، نهری در بهشت، نبوت و پیامبری، ذریه و نسل، مقام شفاعت و... دارد که مفسران به آن اشاره کرده‌اند؛<sup>۳</sup> اما با توجه به سبب نزول این سوره، منظور از «کوثر»، همان عامل بقای نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله است که جز فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندانش مصداق دیگری ندارد؛ زیرا این سوره در پاسخ به سرزنش کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و همچنین به دلیل تقابلی معنایی «الکوثر» با «الابتر»<sup>۴</sup> دیگر مصداق‌های

۱. الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳؛ روح المعانی، الوسی، ج ۳، ص ۴۰۳ و بیشتر تفاسیر ذیل سوره کوثر.

۲. المفردات، راغب اصفهانی، ص ۴۲۶.

۳. رک: الکشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۸۰۷؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، صص ۵۹۶ - ۵۹۸؛ روح المعانی ج ۳۰، صص ۲۴۴ - ۲۴۶؛ فتح القدر، شوکانی، ج ۵، ص ۵۰۲؛ تفسیر المراغی، مراغی ج ۱۰، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۴. ابتر به معنای بی‌دنباله و کسی که فرزند پسر ندارد (مقطوع النسل) می‌باشد، المفردات، راغب اصفهانی، ص ۳۶.



کوثر که مفسران به آن اشاره کرده‌اند، همگی از باب جری و انطباق است.<sup>۱</sup> با این اعتبار حسن و حسین علیهم السلام نیز فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند؛ زیرا در غیر این صورت، با وجود فاطمه زهرا علیها السلام باز هم رسول خدا صلی الله علیه و آله به «ابتر» موصوف می‌شود. این استدلال را علی علیه السلام در پاسخ به نامه عمرو بن عاص نیز بیان کرده بود. ابن ابی‌الحدید در این‌باره نوشته است:

عمرو بن عاص نامه‌ای برای امیر مؤمنان فرستاد که در آن، از حضرت در چند مورد ایراد گرفته بود؛ از جمله آنکه ایشان، حسن و حسین علیهم السلام را دو فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌داند. حضرت در جواب، به پیک عمرو بن عاص گفت: «به بدکاره فرزند بدکاره بگو که اگر حسن و حسین علیهم السلام فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله نبودند، در این صورت پیامبر صلی الله علیه و آله ابتر می‌بود؛ همان‌گونه که پدرت گمان می‌برد؛ درحالی که خداوند، ابتر بودن را از پیامبر صلی الله علیه و آله نفی کرده و به دشمن او نسبت داده است.<sup>۲</sup>

از دیدگاه مفسران شیعه، مهم‌ترین مصداق کوثر وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام است که عامل نسل پاینده رسول خدا صلی الله علیه و آله است. طبرسی می‌نویسد:

گفته‌اند که کوثر عبارت است از کثرت نسل و ذریه.

۱. الزهراء فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله عثمان محمد، ص ۱۷.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۴.

آری، کثرت در نسل آن حضرت از فرزندان فاطمه علیها السلام به گونه‌ای ظاهر گردید که به شمارش نیاید و امتداد این نسل تا روز قیامت پابرجاست.<sup>۱</sup>

بسیاری از مفسران اهل سنت نیز یکی از مصداق‌های «کوثر» را فاطمه زهرا علیها السلام دانسته‌اند. این نظر به روایاتی مستند است که در کتب حدیثی و تفسیری بسیاری از بزرگان اهل سنت بیان شده؛ از جمله «طبرانی» در «المعجم الکبیر»<sup>۲</sup>، «ابن عساکر» در «تاریخ مدینة دمشق»<sup>۳</sup>، «سیوطی» در «الدر المنثور»<sup>۴</sup>، «ابن کثیر دمشقی» در کتاب‌های «البدایة و النهایة»<sup>۵</sup> و «السیرة النبویه»<sup>۶</sup>. همچنین آیه: ﴿إِنَّ شَائِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ را درباره عاص بن وائل، عقبه بن ابی معیط و دیگر مشرکانی دانسته‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را ابتر توصیف کرده بودند.<sup>۷</sup>

فخر رازی معتقد است که مراد از «کوثر» نهر وعده

۱. مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۶؛ المیزان فی تفسیر القرآن،

طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۷۰؛ تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۳۷۵؛

فاطمه الزهرا علیها السلام فی القرآن، ص ۳۵۲.

۲. المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۴، ص ۱۷۹.

۳. تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۲۸.

۴. الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳.

۵. البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۳۲۶.

۶. السیرة النبویه، ج ۴، ص ۶۰۷.

۷. برای دیدن مجموعه‌ای از این روایات، ر.ک: فاطمه علیها السلام کوثر قرآن، محمد

احسانی فر لنگرودی ص ۱۳۴.

داده شده در بهشت است؛ با وجود این، در یکی از وجوه تفسیری کوثر، از قول سدّی نوشته است:

بین عرب مرسوم بود که اگر فرزند پسر کسی از دنیا می‌رفت، به او ابتر می‌گفتند. چون فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه مرسوم به قاسم و عبدالله و نیز، فرزند او به نام ابراهیم در مدینه در گذشتند، آنها گفتند که پیامبر ابتر است و جانشینی ندارد؛ اما خداوند با نزول این سوره مشخص کرد که دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله به این صفت موصوف بوده و نسل آن حضرت تا قیامت تداوم دارد.<sup>۱</sup>

نکته مهم آن است که همه مفسرانی که برای تفسیر «کوثر» مصداق‌هایی غیر از نسل و ذریه بیان کرده‌اند، بلاغت قرآن کریم را در تقابل «کوثر» و «الابتر» نادیده انگاشته‌اند. علامه طباطبایی با برشماری مصداق‌های کوثر از قول مفسران که بیش از ۲۶ قول است، می‌نویسد:

به جز مصداق‌های نهری در بهشت و حوض پیامبر صلی الله علیه و آله که مستند به برخی روایات است، باقی اقوالی که درباره کوثر گفته شده، هیچ دلیلی ندارد، به جز تحکم و بی‌دلیل حرف زدن؛ اما با در نظر گرفتن اینکه کلمه «ابتر» به معنای کسی است که نسل او منقطع شده و با در

۱. مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۱۲؛ غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نیشابوری، ج ۶، ص ۵۷۶؛ روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۴۵؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیضاوی، ج ۲، ص ۶۲۶.

نظر گرفتن جمله نامبرده که از باب قصر قلب<sup>۱</sup> است، نتیجه‌گیری می‌شود که منظور از کوثر، تنها و تنها کثرت ذریه است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته است یا مراد، هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه. اگر مراد، مسئله ذریه - با استقلال یا به‌طور ضمنی - نبود، آوردن **﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾** فایده‌ای نداشت؛ زیرا کلمه **﴿إِنَّ﴾** علاوه بر تأکید، تعلیل را هم می‌رساند و معنا ندارد که خداوند بفرماید ما به تو حوضی دادیم؛ زیرا بدگوی تو ابتر و بلا نسل است.<sup>۲</sup>

اما فخر رازی بیش از دیگر مفسران اهل سنت به این نکته بلاغی در سوره کوثر پرداخته است و می‌نویسد:

«کوثر» به معنای فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. گفته‌اند که این سوره برای تخطئه کسی نازل شد که آن حضرت را به سبب نداشتن (یا باقی نماندن) فرزندان سرزنش می‌کرد. از این رو معنای آیه این می‌شود که خداوند نسلی به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا فرماید که در طول قرن‌ها پایدار خواهد

۱. قصر قلب در جایی است که در اتصاف موصوفی به صفت خاص، اشتباهی رخ دهد. علوم بلاغت و اعجاز قرآن، نصیریان، ص ۱۰۶، کنایه از این مطلب که ابتر واقعی، عاص بن وائل بود. اما بر اثر اشتباه و نادانی، این موضوع را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می‌داد و خداوند با تأکید بر ابتر واقعی بودن او، ابتر بودن را از رسول خدا نفی کرد.

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

بود. آری، بنگر چقدر از اهل بیت کشته و شهید شدند؛ اما باز عالم از آنان مالا مال است. در صورتی که از بنی امیه احدی که قابل توجه باشد، باقی نماند و باز بنگر که در میان اهل بیت علیهم السلام چه بزرگانی مانند حضرات باقر، صادق علیهما السلام، نفس زکیه و امثال آنان ظهور کردند.<sup>۱</sup>

### ب) عصمت و طهارت شاخص اهل بیت علیهم السلام

آیه تطهیر:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ  
يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً﴾

جز این نیست که خداوند اراده فرموده، هرگونه زشتی و پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و از هر جهت پاکتان سازد.

بر عصمت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت دارد و حضرت زهرا علیها السلام نیز از اهل بیت علیهم السلام است؛ به بیان دیگر، ساختار آیه شریفه با توجه به حرف تأکید ﴿إِنَّمَا﴾ که بیانگر اراده الهی است، زمان افعال که به صورت فعل مضارع است و استمرار را می‌رساند، «ال» در کلمه ﴿الرِّجْسِ﴾ که نشان‌دهنده اطلاق است و مفعول مطلق ﴿تَطْهِيراً﴾ که خود تأکید دیگری است، همگی بر اراده الهی و دوری از هرگونه رجس و پلیدی، مانند شرک، کفر و گناه دلالت

می‌کند.<sup>۱</sup> پس آیه بیانگر همان عصمت الهی است که عبارت است از ملکه‌ای نفسانی که انسان را از عقیده باطل و کارهای زشت برحذر می‌دارد.<sup>۲</sup>

بنابر روایات، فقط حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم‌السلام، اهل بیت هستند؛ هرچند آیه، میان آیاتی باشد که درباره همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن می‌گوید؛ زیرا براساس روایات صحیح که از طرق متعدد وارد شده است، اهل بیت علیهم‌السلام شامل همسران پیامبر نمی‌شود. ترمذی در «سنن» خود، از عمر بن ابی سلمه آورده است:

آیه **﴿تَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ...﴾** در خانه ام‌سلمه نازل شد. در پی آن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام را فراخوانده در جامه‌ای پوشاند و علی علیه‌السلام را در جامه‌ای دیگر. سپس فرمود: **«اللَّهُمَّ هُوَ لَأَهْلُ بَيْتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»**. ام‌سلمه گفت: ای پیامبر خدا آیا من با

۱. رجس، در آیات قرآن در هر دو معنای مادی و معنوی به کار رفته است؛ مادی مانند: **﴿...أَوْ لَحْمٍ خَنِزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجْسٌ﴾** (الانعام: ۱۴۵) و رجس معنوی مانند آیات **﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَآمَنُوا وَهُمْ كَاذِبُونَ﴾** (التوبه: ۱۲۵) و نیز **﴿كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾** (الانعام: ۱۲۵) و در آیه تطهیر، مراد از «رجس» پلیدی‌های معنوی و غیرمادی است؛ زیرا پاک‌شدن از آلودگی‌های ظاهری دنیا، به اراده خاصی از جانب خدا نیاز ندارد و مؤمنان قادر به دستیابی به آن هستند.

۲. رک: تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲؛ سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، شرف‌الدین موسوی، ص ۷۵.

ایشانم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تو بر جای خود باش که فردی عاقبت به خیری».<sup>۱</sup>

بنا بر تحقیقی، ۲۷ نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که شماری از آنان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، به نزول آیه تطهیر درباره حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام شهادت داده‌اند.<sup>۲</sup> دانشمندان بسیاری از اهل سنت، حدیث یادشده را در کتاب‌های خود آورده‌اند و بر صحت آن تصریح کرده‌اند.<sup>۳</sup> از جمله کتاب صحیح مسلم که اهل سنت در اعتبار روایات آن تردید ندارند. ترمذی پس از بیان حدیث، درباره آن نوشته است: «هذا حدیث حسن و هو احسن شیء روی فی هذا الباب».<sup>۴</sup> حاکم نیشابوری نیز، پس از آوردن این حدیث در چند جای کتابش، آن را صحیح الاسناد و نیز، با ملاک‌های بخاری و مسلم صحیح می‌داند.<sup>۵</sup>

آنچه در آیه تطهیر، فاطمه زهرا علیها السلام را جزو اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد آن است که بنا بر روایات متعدد، پس از نزول آیه تطهیر، رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدت ۶ یا ۹ ماه از کنار خانه

۱. سنن، ج ۵، صص ۳۲۸ و ۶۲۲ و ۶۵۷؛ المستدرک، ج ۳، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۳؛ غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نیشابوری، ج ۴، ص ۱۸۸۳؛ تاریخ طبری، ج ۱۲، ص ۶؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۴.

۲. شخصیت حضرت زهرا علیها السلام، بشوی، صص ۸۹ - ۹۱.

۳. همان، صص ۹۲ - ۹۵.

۴. سنن الترمذی، ج ۵، صص ۶۵۷ و ۱۳۲۸.

۵. المستدرک، ج ۳، صص ۳۵۷ و ۳۵۸.

حضرت فاطمه علیها السلام عبور می‌کردند و اهل خانه را با این تعبیر خطاب می‌کردند: «الصَّلَاةُ، أَهْلَ الْبَيْتِ، ﴿أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾»<sup>۱</sup>. هدف رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار این بود که همگان متوجه شوند، اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر، فقط حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام هستند و مصداق دیگری ندارد و خداوند، فقط برای آنان طهارت قلبی و پاکی از هر شائبه نفسانی را اراده فرموده است.

مقابل آنچه گفته شد، دیدگاه دیگری نیز در کتب تفسیری اهل سنت به چشم می‌خورد که فقط به این دلیل که آیه تطهیر میان آیاتی از قرآن قرار دارد که درباره همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله است، محتوای آیه تطهیر را ویژه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند یا دست‌کم آنان را از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌شمرد.

معروف است که «عکرمه» از قول ابن عباس، نزول آیه تطهیر را مخصوص زنان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانست و اعلام می‌کرد که حاضر است در این زمینه با مخالفان خود مباحثه کند.<sup>۲</sup> ابن کثیر دمشقی ضمن اعتراض به عکرمه، معتقد است که زنان پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت هستند، نه آنکه آیه تطهیر منحصر به آنان باشد. ابن کثیر می‌گوید روایات

۱. رک: فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۶۹؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲.

۲. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۱.



بسیاری درباره آیه وجود دارد که مصادیق خاص اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را معرفی می‌کند. وی بسیاری از این روایات را نیز، نقل کرده است.<sup>۱</sup> نه تنها عقیده عکرمه باطل است، بلکه دیدگاه ابن کثیر دمشقی و مفسرانی که زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز از اهل بیت می‌دانند، به دلایل زیر نادرست است:

یک - با توجه به تأکدهایی که در آیه تطهیر وجود دارد، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از مقام عصمت برخوردارند؛ اما همسران پیامبر صلی الله علیه و آله این مقام را نداشتند؛ زیرا قرآن گاه به دلیل برخی ناسازگاری‌ها با رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان اخطار می‌داد. تأمل در آیات سوره‌های احزاب و تحریم<sup>۲</sup> - که حتی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را به طلاق تهدید می‌کند - گواه این مطلب است.

دو - چنان‌که دیدید، برخی روایات درباره تعیین مصداق‌های اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را خود همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مانند عایشه و ام سلمه نقل کرده‌اند و در کتب معتبر اهل سنت نیز وارد شده است و این روایات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را از مصداق‌های اهل بیت نمی‌دانند و این، از مهم‌ترین دلایل اختصاص آیه تطهیر به چند نفر انگشت‌شمار، یعنی علی علیه السلام، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است.

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۲.

۲. ر.ک: (احزاب: ۲۸)؛ (تحریم: ۵).

سه - تردیدی نیست که در عرف، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و در خانه آن حضرت زندگی می‌کردند؛ اما باید به این نکته توجه کرد که در بسیاری از آیات و روایات، واژه «اهل» در معنایی فراتر از معنای عرفی به کار رفته است و شامل اهلیت فکری و ایمانی هم می‌شود؛ مانند این آیه ﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾ (هود: ۴۶) که پسر نوح را - که در حقیقت فرزند آن حضرت بود - از اهل بیت نوح و سزاوار سوار شدن بر کشتی نمی‌داند یا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با گفتن «سلمان منا اهل البیت»<sup>۱</sup>، سلمان را که در نسب و نژاد، اشتراکی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد، در ردیف اهل بیت می‌داند.

چهار - با صرف این دلیل که آیه تطهیر، بین آیاتی قرار گرفته که درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، نمی‌توان همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را در شمار اهل بیت، به معنای خاص آن، قرار داد؛ زیرا از اختلاف ضمایر موجود در آیات همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و آیه تطهیر که بگذریم، آیه تطهیر با آیات پیشین و پسین خود، تناسبی استطرادی دارد<sup>۲</sup> که در قرآن

۱. اختیار معرفة الرجال، کشی، ج ۱، صص ۵۲، ۵۴، ۶۰ و ۷۱.

۲. تناسب استطرادی به این معناست که بین مسئله اصلی، بنا بر مصالحی ریشه کلام قطع شود و مطلب جدیدی به ذهن مخاطب القا شود. سپس گوینده دوباره به کلام پیشین بازگردد و آن را ادامه دهد. در عین حال کلام استطرادی با کلام اصلی به‌گونه‌ای ربط و پیوند داشته باشد؛ ⇐

کاربردهای فراوان دارد.<sup>۱</sup> از این رو میان آیاتی که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را امر و نهی می‌کند، سخن ناگهانی از اختصاص عصمت و طهارت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، به این دلیل است که نخست، تفاوت این عده با دیگران، از جمله زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، بر همگان آشکار شود. همچنین به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله یادآور شود که برای دستیابی به پاکی و کمال، باید از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنند.

### ج) دوست‌داشتن فاطمه، پاداش رسالت

حضرت فاطمه علیها السلام از مصداق‌های «قربی» در این آیه

است:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾

(شوری: ۲۳)

بگو [در برابر رسالتم] پاداشی از شما نمی‌خواهم، به جز دوست‌داشتن نزدیکانم.

→ برای مثال آیه شریفه «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا» (اعراف: ۲۶) که در آن از نعمت لباس سخن گفته، کلامی بر سبیل استطراد در بین آیات مربوط به سرگذشت آدم و همسر او در سوره اعراف است؛ زیرا در این آیات بحث درباره سرگذشت آدم و حوا، تخلف آنها در خوردن از درخت ممنوعه و در نتیجه، افتادن لباس از اندام آنها و تلاش برای پوشاندن خود با برگ‌های درختان است. در چنین فضایی سخن از نعمت لباس، برای بنی آدم از باب تناسب استطرادی به میان آمده است که بی‌ارتباط با زمینه اصلی کلام هم نیست. ر.ک: الکشاف، ج ۲، ص ۹۷؛

الدرالمنثور، ج ۳، ص ۲۷۳؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۱.

۱. سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، صص ۶۳ و ۶۴.

با توجه به این آیه دوست داشتن حضرت فاطمه علیها السلام پاداش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و امری واجب است و بنابر آیه: **﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾** (سبأ: ۴۷)، نتیجه مهرورزی به خویشان رسول خدا صلی الله علیه و آله به خود انسان باز می‌گردد، نه به رسول خدا صلی الله علیه و آله. درباره مصداق‌های «قربی» میان مفسران اهل سنت دیدگاه‌هایی وجود دارد؛ از جمله آنکه، مراد از «قربی»، همه خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ به‌ویژه طایفه قریش.<sup>۱</sup> در صورتی که هرکس به تاریخ اسلام آشنا باشد، درمی‌یابد دوست داشتن قریشی که آن همه پیامبر صلی الله علیه و آله را آزدند، نمی‌تواند مصداق مناسبی برای پاداش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.

ابن کثیر در یک نظر «قربی» را مصدر دانسته و آیه را چنین معنا کرده است: «ای پیامبر! بگو من برای رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم؛ اما به سبب قرابتی که بین من و شما وجود دارد، مرا آزار ندهید».<sup>۲</sup> این تفسیر، علاوه بر آنکه خلاف ظاهر است، با روایاتی که در معرفی مصداق «قربی» وارد شده، ناسازگار است. معروف‌ترین این روایات، حدیث ابن عباس است که می‌گوید:

هنگامی که آیه: **﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي**

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۲۱.

۲. همان.

الْقُرْبَىٰ ﴿۱﴾ نازل شد، اصحاب گفتند: «ای رسول خدا ﷺ خویشتان تو که خداوند محبت آنها را واجب فرموده چه کسانی هستند؟» پیامبر ﷺ فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام)».<sup>۱</sup>

زمخشری حدیث دیگری در ضرورت دوستی آل محمد ﷺ بیان کرده است که با این عبارت شروع می‌شود: «قال رسول الله ﷺ: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ...».<sup>۲</sup>

فخر رازی پس از بیان این حدیث چنین گفته است: در عظمت آل محمد ﷺ همین بس که اولاً: آنان (علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام)) محبوب رسول خدا ﷺ بودند و لذا دوستی آنان، بر امت واجب است؛ ثانیاً: آنان در تشهد نماز در کنار رسول خدا ﷺ مخصوص به ذکر و دعا شده‌اند که: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ نِيزِ، بِرِ وَجُوبِ دُوسْتِي أَنَانِ دَالْتِ دَارِدِ».<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد با توجه به همین روایات، شافعی نزول آیه مودت را درباره دوستی اهل بیت پیامبر ﷺ مسلم

۱. الدر المنثور، ج ۷، ص ۳۴۸؛ الکشاف، ج ۴، ص ۲۲۰؛ مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۱۶۷؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۱۳۰؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۲، ص ۳۶۲؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج ۴، ص ۱۵۴.

۲. الکشاف، ج ۴، ص ۲۲۰.

۳. مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

دانسته است و در اشعاری که از او به جا مانده، چنین سروده است:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ  
فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ  
كَفَاكُم مِّنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْتُمْ

مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ<sup>۱</sup>

ای اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستی شما فریضه‌ای از جانب خداوند است که آن را در قرآن نازل کرده است. در عظمت قدر و منزلت شما، همین بس، کسی که [در نماز خود] صلوات و درود بر شما نفرستد، نماز او قبول نخواهد بود.

نکته دیگر درباره حدیث ابن عباس، آن است که این حدیث در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت، به طرق مختلفی وارد شده است؛ از جمله حاکم حسکانی، آن را با هشت طریق، ذیل آیه مودت آورده است.<sup>۲</sup> بنابر برخی پژوهش‌ها<sup>۳</sup>، سند حدیث صحیح و راویان آن موثق‌اند.

۱. شافعی، دیوان اشعار، ص ۱۱۵، به رقم ۱۱۸.

۲. شواهد التنزیل، لقواعد التفضیل، ج ۲، صص ۱۲۰ - ۱۴۶ و نیز ر.ک: سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، صص ۸۶ - ۹۱ که مصادر حدیث یادشده را از قول مقریزی، بغوی، ثعلبی، جلال‌الدین سیوطی، حافظ ابونعیم اصفهانی حموینی شافعی و زمخشری نقل کرده است.

۳. شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در قرآن از منظر اهل سنت، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

همچنین آیه مودت و حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در شناساندن «ذی القربی» از مشهورترین نصوصی است که امامان شیعه، مانند امیرمؤمنان علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام در دفاع از حقوق اهل بیت علیهم السلام مقابل مخالفان خود، به آن احتجاج کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### د) حقوق زهرا علیها السلام در کتاب خدا

خدای متعال در سوره اسراء به رسول خود چنین خطاب می‌کند: ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ﴾؛ «حق خویشاوندان را بده». با توجه به تفسیر «قربی» در آیه مودت، مراد از «ذی القربی» همان خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند که نزدیک‌ترین مصداق آن فاطمه زهرا علیها السلام است و این مطلب، از روایاتی به دست می‌آید که برای تفسیر این آیه بیان شده است. بنابر روایات شیعه و سنی، هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام را فراخواند و مزرعه فدک را به وی واگذار کرد. از جمله ابوسعید خدری نقل کرده است:

لَمَّا نَزَلَ ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ﴾ دَعَا رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةَ

۱. ر.ک: روح المعانی، آلوسی، ج ۲۵، ص ۳۰؛ مسند فاطمة الزهراء، سیوطی، صص ۷۶ - ۷۹ و نیز هاشمی فصل یازدهم با عنوان: فاطمة الزهراء در آیه قربی؛ سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، شرف الدین موسوی، صص ۹۶ - ۹۸ با عنوان: احتجاجات امام حسن مجتبی و امام زین العابدین با مخالفان.

## فَاعْطَاهَا فَدَكًا<sup>۱</sup>.

هنگامی که آیه **﴿وَأْتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾** نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را فراخواند و فدک را به وی بخشید.

مانند این حدیث را ابن عباس و دیگران، روایت کرده‌اند.<sup>۲</sup> فاطمه زهرا علیها السلام با چنین پیشینه‌ای مقابل ابوبکر ادعا کرد که پدرش فدک را به او هبه کرده است؛ اما ابوبکر نپذیرفت و گفت: «من گفته تو را قبول ندارم». در این هنگام، ام ایمن و یکی از غلامان پیامبر صلی الله علیه و آله برای فاطمه علیها السلام گواهی دادند.<sup>۳</sup> ولی دستگاه خلافت، به شهادت

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۱۰ و ۳۱۱ و نیز ر.ک: تفسیر نورالثقلین حویزی، ج ۳، صص ۱۵۳ - ۱۵۶؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، صص ۳۲۹ - ۳۴۱.

۲. همان. قابل ذکر است که برخی، مانند ابن کثیر، ایراد گرفته‌اند که به دلیل مکی بودن سوره بنی اسرائیل این روایات اعتبار چندانی ندارد (تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۹)؛ چون موضوع فدک و واگذاری آن به فاطمه زهرا علیها السلام یا شخص دیگر، مربوط به حوادث جنگ خیبر به بعد است که در مدینه اتفاق افتاد. در پاسخ باید گفت: علاوه بر بحث مستثنیات سوره‌های مکی (که آیه یا آیاتی از آن در مدینه نازل شده و در کتاب‌های علوم قرآنی فصلی را به خود اختصاص داده است) می‌توان از احتمال نزول مکرر یک آیه در مکه و مدینه نیز سخن به میان آورد. بنابراین بعید نیست که آیه **﴿وَأْتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمُسْكِينِ وَ...﴾** دو بار نازل شده باشد، یکی در مکه همراه سوره اسراء و دیگری در مدینه که براساس آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه زهرا علیها السلام واگذار کرد. التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۵۶ که می‌نویسد: «اذن فالایه - لعلها - نزلت للمرة الثانية بعد فتح خیبر و بعد ما افاء الله علی رسوله والمؤمنین...».

۳. ر.ک: مفاتیح الغیب، ج ۲۹، ص ۲۸۴.



این دو اهمیتی نداد.

از این رو، به استناد روایات وارده، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حیات خود فدک را به فاطمه علیها السلام بخشید و آن حضرت نیز در آن تصرف کرد و درآمد سالانه آن را میان فقرا تقسیم می نمود.<sup>۱</sup>

علی علیه السلام نیز در نامه ۴۵ نهج البلاغه از مالکیت فدک، برای اهل بیت علیهم السلام خبر داده است که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله مصادره گردید.

بَلَى كَأَنْتَ فِي آيَدِنَا فَدَكُّ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمْتَهُ السَّاءُ  
فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نُفُوسٌ قَوْمٍ وَ سَحَّتْ عَنْهَا نُفُوسٌ قَوْمٍ  
آخِرِينَ وَ نِعَمَ الْحَكْمِ اللَّهُ وَ مَا أَصْنَعُ بِفَدَكٍ وَ غَيْرِ  
فَدَكٍ...<sup>۲</sup>

آری از آنچه آسمان بر آن سایه افکند، فدک در دست ما بود که مردمی بر آن بخل ورزیده [آن را از ما گرفتند] و مردمی دیگر سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند و بهترین داور خداست؛ مرا با فدک و غیر فدک چه کار...؟!

آری، پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله سردمداران قدرت و خلافت، فدک را غصب و سپس شایع کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۳۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَأَنْوَرُ مَا تَرَ كِنَاهُ صَدَقَةٌ.<sup>۱</sup>

ما گروه پیامبران، چیزی به ارث نمی‌گذاریم، آنچه از ما باقی می‌ماند، صدقه است.

هدف آنان از این کار محروم کردن اهل بیت علیهم السلام از پشتوانه اقتصادی‌شان بود. حضرت فاطمه علیها السلام با تأکید بر مالکیت فدک، به احتجاج با ابوبکر پرداخت، به این صورت که فرمود:

با فرض آنکه فدک هبه رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده و فقط در شمار موارث پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، آیا در کتاب خدا وارد شده است که تو از پدر خود ارث بیری و من نتوانم ارث ببرم؟<sup>۲</sup>

هدف حضرت فاطمه علیها السلام آن بود که به ادعای روایی ابوبکر بر ارث نبردن از پیامبر پاسخ دهد؛ زیرا اگر روایتی مخالف صریح آیات قرآن باشد، بی‌اعتبار است و صلاحیت استدلال ندارد.

### هـ) همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز مباهله

مباهله، از رویدادهای مشهور تاریخ اسلام است که به سبب آن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با اهل بیت خود برای

۱. ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۸. به نقل از سقیفه و

فدک، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری.

۲. الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۲.

«مباهله»<sup>۱</sup> مقابل مسیحیان نجران قرار گرفت. قرآن در این باره خطاب به پیامبر می‌فرماید:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱)

پس هر کس درباره عیسی بعد از علم و دانشی [که درباره عیسی] به تو رسید با تو به محاجّه برخیزد، به آنان بگو: بیایید ما فرزندان خود را بخوانیم، شما نیز فرزندان خود را؛ ما زنان خود را صدا زنیم شما نیز زنان خود را؛ ما نفس‌های خود را بخوانیم، شما نیز نفس‌های خود را. آن‌گاه مباهله کنیم و لعنت خود را بر دروغگویان قرار دهیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز برای اجرای فرمان خداوند، به مسیحیان پیشنهاد مباهله کرد که آنان پذیرفتند و فردای آن روز را برای این کار تعیین کردند. در آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله همراه حسن، حسین، علی و فاطمه زهرا علیها السلام برای مباهله حاضر شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به اهل بیت خود فرمود:

۱. مباهله در اصطلاح دینی، به معنای نفرین کردن دو نفر به یکدیگر است. به این ترتیب که اگر افرادی در مسئله مهم مذهبی با هم گفت‌وگو و بحث دارند در یکجا جمع شوند و به درگاه خداوند تضرع کنند و از او بخواهند که دروغگو را رسوا و مجازات کند. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۳۸.

«هرگاه من دعا کردم، شما آمین بگویید»؛ اما اسقف نجران با دیدن چهره ملکوتی پیامبر صلی الله علیه و آله و چهره‌های معصومی که همراه آن بزرگوار بودند، به همراهان خود گفت:

من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند بخواهند کوه را از جا برکنند، این کار را خواهد کرد. ای نصارا! با این مرد مباهله نکنید که هلاک می‌شوید و تا روز قیامت یک نفر نصرانی روی زمین باقی نخواهد ماند...<sup>۱</sup>

آن‌گاه مسیحیان از مباهله صرف‌نظر و با رسول خدا صلی الله علیه و آله

مصالحه کردند.

مباهله از حوادث مشهور، بلکه قطعی تاریخ اسلام است که بیشتر محدثان و مفسران آن را همان‌گونه که گذشت بیان کرده‌اند. حاکم نیشابوری درباره این ماجرا ادعای تواتر کرده است<sup>۲</sup> و زمخشری نیز، این ماجرا را مهم‌ترین دلیل برتری اصحاب کسا، یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می‌داند.<sup>۳</sup>

در رویداد مباهله، آنچه درباره حضرت زهرا علیها السلام قابل توجه است، آن است که بنابر این آیه، فاطمه زهرا علیها السلام

۱. مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۸۹.

۲. المستدرک، ج ۳، ص ۵۰.

۳. الکشاف، ج ۱، ص ۱۹۳؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۶۳؛ لباب التأویل، ج ۱، ص ۲۵۴؛ تفسیر المراغی، ج ۱، ص ۱۷۵؛ فتح القدر، ج ۱، ص ۳۴۷؛ از قول اکثر محدثان اهل سنت؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج ۱، ص ۲۴۳.

مصدق علیه السلام «نساءنا» است؛ زیرا در زمان مباهله، رسول اکرم صلی الله علیه و آله همسران متعددی داشتند؛ اما هیچ کدام را با خود همراه نکردند. از این رو در آیه مباهله، دو فضیلت برای حضرت فاطمه علیها السلام به اثبات می‌رسد:

نخست آنکه حضرت زهرا علیها السلام شاهد و گواه حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله و اثبات رسالت آن حضرت است و این، خود، نمونه‌ای از همراهی حضرت فاطمه علیها السلام با مقام رسالت است، و دوم آنکه حضور حضرت زهرا علیها السلام به همراه پدر، همسر و فرزندان، مستجاب الدعوه بودن آنها را می‌رساند که این بیانگر جایگاه بلند آن حضرت نزد خدای تبارک و تعالی است. به این ترتیب، پوشاندن حقیقت از سوی برخی مورخان و مفسران اهل سنت، از جمله ابن هشام در «السیرة النبویة»<sup>۱</sup> و ثعالبی در «الجواهر الحسان»<sup>۲</sup> که هنگام نقل ماجرای مباهله، اشاره‌ای به همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله نکرده‌اند، ضرری به اصل حقیقت وارد نمی‌کند. همچنین، تشکیک برخی از مفسران امروزی، مانند رشید رضا و محمد عبده که مباهله را به گونه‌ای که شیعه ادعا می‌کند، جعلی دانسته و شیعیان را صادر کننده روایات مباهله معرفی کرده‌اند بی‌اعتبار است<sup>۳</sup>؛ زیرا کمتر واقعه‌ای مانند

۱. السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۲، صص ۲۲۲ و ۲۳۳.

۲. الجواهر الحسان، ثعالبی، ج ۱، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۳. تفسیر المنار، رشید رضا، ج ۳، ص ۱۳۲۲.

مباهله وجود دارد که از قرن سوم تا عصر حاضر، بخشی از کتب حدیث، تفسیر و تاریخ اهل سنت را به خود اختصاص داده باشد.

### و) نیکوکاری بزرگ

بنابر آیات قرآن، حضرت زهرا علیها السلام از مصداق‌های «ابرار» است. ابرار، در عرف قرآن، از جمله آیه ﴿لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقره: ۱۷۷) به کسانی اطلاق می‌شود که در عقیده و عمل به کمال برسند و از پرهیزکاران و راستگویان شوند. همچنین به همه مؤمنان سفارش شده است که همراه صادقان باشند؛ چنان‌که در سوره توبه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه: ۱۲۲)؛ اما نیکوکاری حضرت فاطمه و علی علیهما السلام در قرآن این‌گونه گزارش شده است:

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا \* يُوفُونَ بِاللَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعَمُونَ الزَّكَاةَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا...﴾ (انسان: ۵ - ۹)

به یقین، ابرار از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند. آنها

به نذر خود وفا می‌کند و از روزی می‌ترسند که شر و عذابش گسترده است و غذای خود را با آنکه به آن علاقه [و نیاز] دارند به مسکین، یتیم و اسیر می‌دهند [و می‌گویند] ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم...

بسیاری از مفسران، ذیل آیات ذکر شده از قول ابن عباس نقل کرده‌اند که این آیات، زمانی نازل شد که حسنین (علیهم السلام) بیمار بودند و حضرت علی و فاطمه (علیها السلام) برای شفای آنان، سه روز روزه نذر کردند<sup>۱</sup> که پس از شفای آنان تصمیم به ایفای نذرشان گرفتند. بنابر این روایات، علی (علیه السلام)، فاطمه زهرا (علیها السلام) و کنیز آنان فضّه سه روز پی‌درپی روزه گرفتند که هر روز، هنگام افطار با درخواست مستمندانی - از مسکین، یتیم و اسیر - مواجه شده و افطاری خود را ایثار کردند. در پی این رویداد بود که خداوند متعال، به خاطر تمجید از ایثار اهل بیت (علیهم السلام)، آیات ۵ الی ۲۲ سوره انسان را نازل کرد<sup>۲</sup> و با گزارش خود از این ماجرا، آن را در تاریخ انسانیت جاودانه نمود. طبق این

۱. این نذر را با راهنمایی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام دادند. (ر.ک: روح المعانی، ذیل سوره انسان).

۲. ر.ک: لباب التأویل، ج ۴، ص ۳۷۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۶، ص ۴۱۲؛ تفسیر البغوی، بغوی، ج ۴، ص ۴۲۸؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج ۴، ص ۴۶۶؛ مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۲۴۴؛ الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰؛ فتح القدیر، ج ۵، ص ۳۴۹؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، صص ۲۲۹ و ۲۳۰ در روایات گوناگون.

آیات، خداوند ایثار اهل بیت علیهم السلام را پذیرفت و مصونیت آنان از آتش جهنم و بهره‌مندی آنان را از نعمت‌های بیکران الهی ضمانت کرد. در ضمن به احترام بانوی دو عالم، در بیان نعمت‌های بهشتی - که نصیب این نیکوکاران می‌شود - سخنی از حورالعین به میان نیامد و این خود از لطایف نظریه نزول آیات مورد بحث، درباره نیکوکاران اهل بیت علیهم السلام است.<sup>۱</sup>

برخی از مفسران با ایجاد تردید در محل نزول سوره انسان، به نفی این برتری‌ها پرداخته‌اند. آنان بر این باورند که تولد حسنین علیهم السلام در مدینه واقع شده و حال آنکه محل نزول سوره انسان در مکه بوده است. در این‌باره سید قطب می‌نویسد: «مکی‌النزول بودن سوره دهر به وضوح تمام معلوم است».<sup>۲</sup> ابن کثیر دمشقی، حاکم نیشابوری، نسفی، ابوحیان توحیدی و شنقیطی، از جمله کسانی هستند که به نزول سوره دهر در مکه معتقد هستند.<sup>۳</sup> استدلال این گروه بیشتر درباره مفاهیم ابتدایی و انتهای سوره انسان است که به عقیده آنان، با حال و هوای مکه و اوضاع و احوال ضعف رسول خدا صلی الله علیه و آله تناسب دارد. از این رو در آیه ۲۴ همین سوره، خداوند به رسول خود،

۱. روح المعانی، ج ۳، ص ۱۵۸.

۲. التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۱، ص ۱۲۲ به نقل از فی ظلال القرآن.

۳. رک: تفاسیر یادشده ذیل سوره الانسان.



دستور به صبر و مدارا داده است.

در نقد این دیدگاه می‌گوییم:

یک - بسیاری از مفسران اهل سنت، بر نزول سوره انسان در مدینه تصریح کرده‌اند و به خصوص ذیل آیات: ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ﴾ ماجرای بیماری حسنین علیهما السلام، نذر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام برای شفای آنان و دنباله ماجرا را به‌طور کامل نقل کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان از زمخشری، شوکانی، بغوی و... نام برد<sup>۱</sup> و تعدادی از مفسران، از جمله سیوطی و ثعالبی، هر دو قول مکی یا مدنی بودن سوره را احتمال داده‌اند.<sup>۲</sup> از این رو قول به مکی‌النزول بودن سوره انسان نیز در میان مفسران اهل سنت قطعیتی ندارد و اصل مطلب، اختلافی است.

دو - بنابر آیه: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ یکی از کسانی که اطعام شده، «اسیر» بوده است. به فرض مکی‌النزول بودن سوره دهر، وجود اسیر در مکه منتفی است؛ زیرا مسلمانان در مکه قدرتی نداشتند که بخواهند اسیر داشته باشند.<sup>۳</sup>

از این رو تمام کسانی که قائل به مکی‌النزول بودن سوره

۱. ر.ک: الکشاف، ج ۴، ص ۶۶۵، تفسیر البغوی، ج ۴، ص ۴۲۶؛ فتح القدر

الجامع، شوکانی، ج ۵، ص ۳۴۳.

۲. ر.ک: الابحاز و الایجاز، ثعالبی، ج ۳، ص ۴۳۰؛ الاتقان، سیوطی، ج ۱،

ص ۵۱.

۳. تفسیر المیزان، ج ۲۰، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

انسان شده‌اند، در معناکردن «اسیر» به تکلف افتاده و ناگزیر شده‌اند آن را از معنای حقیقی خارج و بر معنای مجازی حمل کنند. آنان برای «اسیر» به مفاهیمی چون: مشرک، بدهکار، زن و همسر و زندانی قائل شده‌اند<sup>۱</sup> که همه آنها خلاف معنای اصلی اسیر - که با دارالحرب ملازمه دارد - است. این تکلف، به‌گونه دیگری درباره واژه «نذر» نیز دیده می‌شود.

سه - به فرض که ابتدا و انتهای سوره انسان با وضعیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان در مکه تناسب داشته باشد، این موضوع، لزوماً به معنای نفی نزول آیات: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ... إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾ در شأن اهل بیت علیهم السلام نیست. بسا سوره‌ای در مدینه نازل شده و بخشی از آن مکی باشد؛ یا بالعکس، سوره‌ای در مکه نازل شده و بخشی از آن مدنی باشد. به‌خصوص مفسرانی که قائل به «نظریه مستثنیات» هستند، برای این موضوع مانعی نمی‌بینند. علامه طباطبایی با اعتقاد به چنین دیدگاهی می‌نویسد:

این سوره، به شهادت سیاقی که دارد، یا همه‌اش یا حداقل اوایل آن که دوازده آیه است، در مدینه و نه آیه ذیلش در مکه نازل شده است. روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام

همه متفق اند بر اینکه این سوره، در مدینه نازل شده و

روایات اهل سنت هم در این باره بسیار زیاد است.<sup>۱</sup>

چهار - این موضوع که چون در آیات سوره انسان، از

نعمت‌های بهشتی سخن به میان آمده یا در آیاتی از سوره،

رسول خدا صلی الله علیه و آله به صبر و مدارا توصیه شده است، قرائن

مکی‌النزول بودن سوره قلمداد شود، دلیل درستی نیست؛

زیرا موارد یادشده به سوره‌های مکی اختصاص ندارد. بسا

در سوره‌های مدنی، مانند سوره‌های حج و رحمن، به

تفصیل از نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنم سخن به

میان آمده است؛ چنان‌که صبر و مدارا نیز به سوره‌های

مکی اختصاص ندارد. برای نمونه خداوند در سوره کهف

به رسول خود می‌فرماید: ﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ

رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ﴾ و این آیه، به حکم

روایات در مدینه نازل شده است.<sup>۲</sup>

۱ تفسیر المیزان، ج ۲۰، صص ۱۲۰ و ۱۳۳.

۲. ر.ک: همان، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.



## جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام

### در حدیث و تاریخ

غیر از روایات تفسیری، احادیث بسیاری در فضایل و مناقب حضرت زهرا علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده که بیانگر ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه علیها السلام و جایگاه ویژه آن حضرت، نزد رسول گرامی صلی الله علیه و آله است. جدا از روابط عاطفی پدر و فرزندی که فاطمه علیها السلام را محبوب‌ترین شخص نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد، این روایات، بیانگر ویژگی‌های مهمی از ابعاد گوناگون شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام است که به چند ویژگی مهم آن<sup>۱</sup> می‌پردازیم:

#### الف) سرور بانوان دو عالم

حضرت فاطمه علیها السلام برترین بانوی دو عالم است. این موضوع در روایات زیادی منعکس شده است؛ از جمله

---

۱. السیدة فاطمة الزهراء علیها السلام، مهراں بیومی، ص ۱۵۳ به بعد.

عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت خطاب به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

يا فَاطِمَةُ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۱</sup>

ای فاطمه، آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان باایمان باشی.

در برخی روایات، برتری فاطمه زهرا علیها السلام بر دیگر زنان موهبتی آسمانی تعبیر شده است؛ چنان‌که حذیفه بن یمان نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

فرشته‌ای از آسمان فرود آمد و از خدا اجازه خواست که ارمغانی برای من آورد که کسی قبل از او نازل نکرده است. او به من بشارت داد که فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشت است.<sup>۲</sup>

برتری فاطمه زهرا علیها السلام بر دیگر زنان، به مناسبت‌های مختلف وارد شده است. مهم‌ترین آنها روایاتی است که درباره رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در پی آن رحلت فاطمه زهرا علیها السلام - به‌عنوان نخستین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق خواهد شد - وارد شده است. در این باره ام‌سلمه و عایشه روایت کرده‌اند:

فاطمه زهرا علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله رازی با

۱. المستدرک، ج ۳، ص ۲۶۶.

۲. همان، ص ۳۶۳.

او در میان نهاد که فاطمه علیها السلام گریست. سپس راز دیگری با آن حضرت در میان نهاد که وی خندید. من درباره این ماجرا پرسیدم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «نخستین بار رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که او امسال از دنیا خواهد رفت و من با شنیدن آن گریستم و بار دوم، خبر داد که من نخستین کسی هستم که به او ملحق خواهم شد و به این جهت خندیدم».<sup>۱</sup>

در همین گفت‌وگو بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله برتری حضرت فاطمه علیها السلام را بر همه زنان عالم اعلام کرد. همچنین عایشه می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن بیماری که منجر به وفات ایشان گردید، خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «آیا خشنود نیستی که سرور زنان بهشت یا سرور زنان عالمیان باشی».<sup>۲</sup>

بخاری نیز، در صحیح خود فراز پایانی روایت را چنین نقل می‌کند: «آیا خشنود نیستی که سرور زنان مؤمن یا سرور زنان امت من باشی».<sup>۳</sup>

در برخی روایات، برتری حضرت فاطمه علیها السلام

۱. الصحیح، ج ۵، ص ۸۳؛ المستدرک، ج ۴، صص ۱۹۰۲ - ۱۹۰۵؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۹۰ و ج ۸، ص ۲۲؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۲۲۴؛ مناقب اهل‌البیت، ابن‌المغازلی، ص ۴۲۴.

۲. المسند، ص ۲۳۹؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۵۷؛ فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۵۹؛ المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۶.

۳. الصحیح، ج ۷، ص ۱۴۲.

تحت الشعاع برتری حضرت مریم قرار گرفته است؛ چنان‌که ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

... فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ  
عِمْرَانَ.<sup>۱</sup>

فاطمه سرور زنان بهشتی است، جز مقامی که برای مریم دختر عمران وجود دارد.

پایه و اساس این دسته از روایات، ظاهراً با توجه به آیاتی است که به مقام برگزیدگی حضرت مریم بر زنان عالم تأکید می‌کند<sup>۲</sup>؛ با این تصور که مراد از «عالمین» در آیه یاد شده، تمام قرون و اعصار است. غافل از آنکه مطابق استعمال قرآن، کلمه «عالمین» که درباره بنی‌اسرائیل نیز به کار رفته است<sup>۳</sup>، مراد همان عصر و زمان حضرت مریم است، نه زمان‌های دیگر. در ضمن، در روایات دیگری که درباره برتری حضرت فاطمه علیها السلام وارد شده است، به این موضوع تصریح شده است. از جمله عمران بن حصین نقل می‌کند:

روزی فاطمه زهرا علیها السلام بیمار بود. به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن بانو عیادت کردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن صحبت

۱. الدر المنثور، ص ۱۴۶، ح ۱۳۱.

۲. ر.ک: (آل عمران: ۴۲).

۳. ر.ک: (بقره: ۴۷ و ۱۲۲).



فرمود: «... ای بنیة اما ترضین ان تکونی سیده نساء العالمین»؛ «فرزندم خشنود نمی شوی که سرور زنان عالم باشی؟»؛ حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: «ای پدر، کاش چنین باشد؛ اما مریم، دختر عمران چه وضعیتی دارد؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دخترم او سرور زنان عصر خود بود و تو سرور زنان عالم خود هستی...»<sup>۱</sup>.

همچنین در برخی روایات، حضرت فاطمه علیها السلام را سرور زنان دو عالم، سرور زنان این امت و سرور زنان مؤمنان وصف کرده اند؛<sup>۲</sup> اما با توجه به گستردگی امت پیامبر صلی الله علیه و آله و ابدی بودن دین آن سرور، برتری مطلق حضرت فاطمه علیها السلام بر سایر زنان نتیجه گیری می شود.<sup>۳</sup> علاوه بر این، می توان در برتری حضرت فاطمه علیها السلام از حضرت مریم، به تفاوت کیفیت تولد و نشوونمای هر دو اشاره کرد. اگر زکریای پیامبر صلی الله علیه و آله تربیت حضرت مریم را بر عهده گرفت،<sup>۴</sup> درباره حضرت فاطمه علیها السلام به طوری که خواهد آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله که افضل بشر و پیامبران است، عهده دار تربیت و هدایت ایشان شدند.<sup>۵</sup>

۱. فضائل فاطمة الزهراء، ص ۶۴؛ مناقب اهل البيت، ص ۴۷۴.

۲. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۶.

۳. ر.ک: السیدة فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۱۵۳؛ سخنی شیوا در برتری حضرت زهرا علیها السلام، صص ۱۰۷ - ۱۲۶.

۴. ر.ک: (آل عمران: ۳۷).

۵. ر.ک: فاطمة الزهرا شخصیتها، ظلامتها، هنداوی، ص ۱۲۰.

## ب) حضرت زهرا علیها السلام، محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را بسیار دوست داشت و این دوستی را بارها به زبان آورد؛ به طوری که در عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به اطرافیان، کسی به حضرت زهرا علیها السلام نمی‌رسید. عبدالله بن بریده از پدرش نقل می‌کند که محبوب‌ترین زن‌ها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام و محبوب‌ترین مردان، علی علیه السلام بود.<sup>۱</sup> این موضوع در روایات دیگر از عمر و عایشه نیز نقل شده است.<sup>۲</sup> حضرت فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله حتی از علی علیه السلام نیز محبوب‌تر بوده است. در این باره علی علیه السلام می‌فرماید:

من از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که از بین ما دو نفر (من و فاطمه) کدام یک را بیشتر دوست دارید؟ حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه نزد من، دوست‌داشتنی‌تر از تو و تو نزد من، عزیزتر از اویی».<sup>۳</sup>

از نشانه‌های این دوستی عمیق آن بود که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد سفر می‌کرد، فاطمه زهرا علیها السلام آخرین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از او خداحافظی می‌کرد و هنگامی که از سفر باز می‌گشت، نخستین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به

۱. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۵.

۲. همان، صص ۳۶۵ و ۳۶۷.

۳. اسدالغابة، ج ۶، ص ۲۲۴؛ فضائل فاطمة الزهرا علیها السلام، ص ۸۴؛ حیاة فاطمة علیها السلام، شلیبی، ص ۹ به نقل از المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۹. خصائص امیرالمؤمنین، نسایی، ص ۱۹۶.

دیدارش می‌رفت و او را می‌بوسید.<sup>۱</sup> عایشه می‌گوید:

کسی را ندیدم که از جهت منطق و کلام، به پیامبر صلی الله علیه و آله شبیه‌تر از فاطمه علیها السلام باشد. هنگامی که فاطمه علیها السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌شد، آن حضرت برخاسته، به او خوش آمد می‌گفت، وی را می‌بوسید و بر جای خود می‌نشاند.<sup>۲</sup>

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به جهت تأکید بر محبت خود به حضرت زهرا علیها السلام مکرر اعلام می‌کرد: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ أَحَبَّهَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي» یا «إِنَّمَا فَاطِمَةُ شَجَنَةٌ مِنِّي يَسْطُنِي مَا يَسْطُهَا وَيَقْبِضُنِي مَا يَقْبِضُهَا».<sup>۳</sup> این سخنان، ضرورت دوستی دیگران را نیز به فاطمه زهرا علیها السلام آشکار می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ابراز دوستی خود به آن حضرت می‌فرمود: «فَدَاكِ أَبِي وَأُمِّي»<sup>۴</sup> و نیز خطاب به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «خداوند از غضب تو غضبناک و از خشنودی تو خشنود می‌شود».<sup>۵</sup>

به هر حال، محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام چنان آشکار

۱. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۴؛ اسد الغابة، ج ۶، ص ۲۲۴؛ الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، صص ۴۸ و ۴۹؛ رک: السیدة فاطمه الزهراء، ص ۱۵۸؛ فاطمه زهرا علیها السلام در کلام اهل سنت، هاشمی، صص ۳۰۷ - ۳۳۹ با عنوان: محبت و دوستی پیامبر به فاطمه علیها السلام هر دو با استناد به روایات متعدد.

۲. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۶.

۳. رک: فاطمه زهرا علیها السلام در کلام اهل سنت، ص ۳۱۲.

۴. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۶.

۵. همان، ص ۳۶۴.

بود که عمر نیز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: «ای فاطمه، به خدا ندیدم کسی محبوب‌تر از تو نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد و به خدا بعد از پدرت کسی هم نزد من، دوست داشتنی‌تر از تو نیست...»<sup>۱</sup> و حضرت زهرا علیها السلام هم در احتجاج خود با ابوبکر و عمر، از دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله با خود، سخن گفت و ناخشنودی خود را از آنان اعلام کرد.<sup>۲</sup>

برخی از راویان اهل سنت، شیطنتی مرتکب شده و سبب صدور حدیث: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي...» را تصمیم ازدواج علی علیه السلام با دختر ابوجهل دانسته‌اند؛ برای نمونه عبدالله بن زبیر که در دشمنی با علی علیه السلام و اهل بیت او شهرت دارد و از مسببان اصلی جنگ جمل علیه علی علیه السلام است، ادعا کرد:

در نوبتی علی علیه السلام یادی از دختر ابوجهل کرد [و تصمیم گرفت از او خواستگاری کند]. این مطلب به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و فرمود: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَ يُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا».<sup>۳</sup>

اما در دروغ بودن این حدیث، همین بس که اولاً

۱. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۵.

۲. رک: فاطمة بين النبوة والامامة، معاش، ص ۱۴۹ به نقل از الامامة و السياسة ابن قتیبه دینوری.

۳. فضائل فاطمة الزهراء، ص ۷۱.

علی علیه السلام خود از مصداق‌های اهل بیت و دارای مقام عصمت است؛ پس هرگز مرتکب خلاف شرع نمی‌شود؛ به‌خصوص اینکه کاری خلاف نظر و رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام نمی‌دهد؛ ثانیاً به فرض آنکه علی علیه السلام بنابر احکام و ضوابط شرعی، چندین همسر اختیار می‌کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله واکنش تند و غیرطبیعی از خود بروز نمی‌داد.<sup>۱</sup>

فلسفه دوستی عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله با فاطمه زهرا علیها السلام و علی علیه السلام چه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در نقطه اوج این دوستی، خطاب به آنان فرمود: «أَنَا حَرْبٌ لِّنَّ حَارِبِكُمْ وَ سَلَامٌ لِّنَّ سَالِكِكُمْ».<sup>۲</sup> آیا غیر از این است که فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام به سبب شخصیت ایمانی و اعتقادی که داشتند، مورد توجه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. در حقیقت، اشتراک فکری آنان با پیامبر صلی الله علیه و آله سبب پیوند روحی - معنوی ویژه‌ای گردید. (چنان که طبق آیه مباحله، علی علیه السلام نفس پیامبر به شمار آمده است.) در غیر این صورت شأن پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر از آن است که به صرف احساس پدر و فرزندی، رابطه‌ای

۱. رک: نقد اخبار ازدواج مجدد امام علی علیه السلام در زمان پیامبر، رضیه سادات سجادی، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۴، صص ۱۳۹ - ۱۵۲؛ قرآن در قرآن، مجتبی محمودی، صص ۲۴۷ و ۲۴۸؛ پاورقی نقد روایات ادعای ازدواج علی علیه السلام با دختر ابوجهل.

۲. مناقب اهل البیت، ص ۱۲۷؛ اسدالغابه، ج ۶، ص ۲۲۵؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۵۶؛ المستدرک، ج ۳، ص ۳۵۹.

عاطفی با دختر خود برقرار کند و همگان را نیز به چنین دوستی و محبتی فرا خواند.

### ج) حضرت زهرا علیها السلام تربیت شده پیامبر صلی الله علیه و آله

پس از تولد حضرت مریم، خداوند زکریا را سرپرست و مسئول تربیت وی قرار داد؛ زیرا تقدیر خداوند آن بود که حضرت مریم، مادر عیسی شود. حال باید گفت که بنابر همان تقدیر الهی، مقدر بود که حضرت فاطمه علیها السلام کوثر رسول خدا صلی الله علیه و آله، همسر ولی خدا و مادر یازده نسل پاک از حجت‌های خدا شود. از این رو برای پرورش چنین وجود شریفی، نظارت و مراقبتی ویژه، حتی قبل از تولد، انجام شده است. حاکم نیشابوری، از سعد بن مالک روایت می‌کند که وی گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب معراج، جبرئیل سببی از بهشت به من تعارف کرد که آن را خوردم و پس از آن خدیجه به فاطمه علیها السلام باردار شد. پس هرگاه مشتاق بهشت می‌شوم، بوی آن را از فاطمه علیها السلام استشمام می‌کنم.»<sup>۱</sup>

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله پس از تولد دختر خود، وی را فاطمه نام نهاد که به معنای جدا شده است و در وجه تسمیه آن باید گفت: روایات متعددی هست که آن

۱. المستدرک، ج ۳، ص ۴۶۶؛ فاطمه زهرا علیها السلام در کلام اهل سنت، صص ۳۹

حضرت را به دلیل پاکی و طهارت، نجات یافته از آتش معرفی می کند؛ مانند این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ دُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ.<sup>۱</sup>

فاطمه پاکدامن بود، پس خداوند آتش را بر فرزندان او حرام کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسیر تربیت حضرت زهرا علیها السلام صفات و ابعاد انسانی و معنوی را در وجود او نهادینه کرد. به خصوص وی را با صفت زهد آشنا کرد؛ به گونه ای که با مشکلات زندگانی دست و پنجه نرم کند و از دنیا، فقط به اندازه نیاز بهره ببرد.

ثوبان نقل می کند که من با رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدار فاطمه علیها السلام رفتم. آن حضرت گردن بندی از طلا به گردن داشت که با دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «این را ابوالحسن (علی) به من هدیه کرده است». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا خرسند می شوی که مردم تو را فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بشناسند و زنجیری از آتش بر گردن تو باشد؟»

پس آن حضرت برخاست و از خانه حضرت فاطمه علیها السلام خارج شد. فاطمه علیها السلام پس از رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله زنجیر را فروخت و با پول آن غلامی را آزاد کرد.

این موضوع به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و فرمود: «سپاس پروردگاری را که فاطمه علیها السلام را از آتش نجات داد».<sup>۱</sup> در این ماجرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزدیکان خود مانند صفیه و فاطمه زهرا علیها السلام پیام داد که باید خود مراقب اعمالشان باشند و فقط به امید شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله نباشند. از این رو فرمود:

يا صَفِيَّةُ بِنْتَ عَبْدِ الْمَطْلَبِ، يا فَاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ اَعْمَلِا فَايَّ  
لَا اَغْنِي عَنْكُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً.<sup>۲</sup>

ای صفیه و ای فاطمه خود تلاش کنید؛ زیرا من نمی‌توانم چیزی از نیاز شما را (شفاعت) در برابر خداوند برآورده سازم.

به موازات چنین تربیتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله روح و روان فاطمه علیها السلام را با ذکر و یاد خدا پرورش داد. برای همین، هنگامی که آن حضرت از سختی زندگانی، اندکی شکایت کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به جای کمک مادی، تسبیحات معروف شامل ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۳ مرتبه سبحان الله را به او یاد داد<sup>۳</sup> و به‌ویژه به او و حضرت علی علیه السلام سفارش کرد که هر شب قبل از خواب، آن را بگویند.

علی علیه السلام می‌گوید: «به خدا قسم، از زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این ذکر را به ما آموخت، یک شب هم آن را ترک

۱. المستدرک، ج ۳، صص ۳۶۲ و ۳۶۳.

۲. مسند فاطمة الزهرا و ماورد فی فضلها، سیوطی، ص ۶۳.

۳. فاطمة بین النبوة والامامة، ص ۶۳.



نکردم». راوی حدیث «عبدالرحمان بن ابی لیلی» می‌گوید: در ذهنم گذشت که آیا علی علیه السلام شب صفین هم آن ذکر را ترک نکرد که علی علیه السلام به من گفت: «حتی شب صفین هم این ذکر را ترک نکردم».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام نیز تسیحات فاطمه علیها السلام را از مصداق‌های ذکر کثیر بیان کردند و شیعیان را بر مداومت بر آن ترغیب نمودند.<sup>۲</sup>

درباره سیره عبادی حضرت فاطمه علیها السلام مطالب دیگری در ادامه خواهد آمد.

۱. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲. زراره بن اعین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ علیها السلام مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»». ر.ک: الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۵۰۰.



## منظومه اعتقادی حضرت زهرا علیها السلام

نخستین موضوع درباره شناخت نظام اعتقادی حضرت زهرا علیها السلام این است که او شاگرد مکتب وحی بود و در خانه‌ای پا به عرصه وجود گذاشت و پرورش یافت که محل فرود وحی بود. از این رو، ایشان شاهد مستقیم آمدوشد ملائکه و نزول آیات قرآن بر پدر بزرگوار خود بود. فاطمه زهرا علیها السلام خود، موضوع نزول بسیاری از آیات قرآن است که این آیات، گویای شخصیت ملکوتی آن حضرت در عرصه‌های اعتقاد و عمل به‌شمار می‌رود. از جمله این آیات، چنان‌که گذشت، آیه تطهیر است<sup>۱</sup> که طبق آن، حضرت زهرا علیها السلام از مصداق‌های اهل‌بیت بوده، بلکه در کانون آن قرار دارد.<sup>۲</sup> براساس همین آیه، حضرت زهرا علیها السلام

۱. رک: (احزاب: ۳۳).

۲. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۸؛ المسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۲۹۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۳۵۷ و ج ۴، ص ۱۸۸۳؛ جامع البیان، ج ۱۲، ص ۶ و مدارک دیگر.

از طهارت قلبی و مقام عصمت برخوردار است.<sup>۱</sup> همچنین براساس آیه: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» دانای به حقایق ظاهری و باطنی قرآن بوده‌اند.<sup>۲</sup> علاوه بر آن، طبق نصوص وارده از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید:

إِنَّا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ علیها السلام مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنْ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرِيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ.<sup>۳</sup>

فاطمه علیها السلام، محدثه نامیده شد، زیرا فرشتگان از آسمان فرود می‌آمدند و او را به مانند مریم، دختر عمران مورد خطاب قرار می‌دادند.

و نیز «فاطمه بنت رسول الله محدّثة و لم تكن نبيّة»؛<sup>۴</sup> «فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا، محدثه بود و پیامبر نبود».

حضرت زهرا علیها السلام از مصداق‌های «محدثان» به‌شمار می‌رود. محدث کسی است که قادر به شنیدن سروش غیبی است؛ هرچند مانند رسول و نبی در بیداری و خواب ملائکه را نبیند.<sup>۵</sup> امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه زهرا علیها السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ۷۵ روز زندگی کرد. در این مدت، جبرئیل نزد او می‌آمد و وی را تسلا

۱. رک: المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲ و نیز، سیمای حضرت زهرا در روایات اهل تسنن، ص ۴۴۵.

۲. المیزان، ج ۱۹، ص ۱۳۷.

۳. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۶.

۴. علل الشرایع، صدوق، ج ۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۲۷۱.

می داد. جبرئیل برای آرامش حضرت فاطمه علیها السلام مقامات پدرش را برمی شمرد و او را از وقایعی که در نسل و ذریه اش پیش خواهد آمد، باخبر می کرد. علی علیه السلام همه را ثبت می فرمود و این گونه بود که مصحف فاطمه علیها السلام شکل گرفت.<sup>۱</sup>

با چنین بررسی ای در شخصیت حضرت زهرا علیها السلام آشکار می شود که معرفت آن حضرت از حقایق عالم یا باورها و عقاید اسلامی، فقط از سنخ معلومات اکتسابی نبوده، بلکه آن بزرگوار، از علوم لدنی برخوردار بوده است. این سنخ از دانش، به دلیل خطاناپذیری، صاحب خود را در شمار حجت های الهی قرار داده و موجب می شود که قول و فعل آنها نیز قابل احتجاج باشد. از این رو حضرت زهرا علیها السلام هم خود راوی و محدث احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده<sup>۲</sup> و هم گزارش قول و فعل خودشان، از مصداق های حدیث می باشد و قابل استناد است.

### درسی از مکتب فکری حضرت زهرا علیها السلام

در این بخش، برای آشنایی مختصر با نظام فکری حضرت زهرا علیها السلام و نیز درس گرفتن از مکتب آن بزرگوار، خطبه ای را که آن بانو در موضوع توحید و نبوت در

۱. الکافی، ج ۱، صص ۲۴۰ و ۲۴۱.

۲. ر.ک: مسند الزهراء.

مسجد بیان فرمود، می‌آوریم. شایسته است، در این خطبه بررسی‌های عمیق‌تری انجام شود.

حضرت پس از ذکر خطبه‌ای در مدح و ثنای پروردگار عالم، با تأکید بر نعمت‌های بیکران خداوند - آن‌سان که در آداب دعا وارد شده است - فرمود:

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست. یگانه‌ای که شریک ندارد. این کلامی است که تأویل و نتیجه آن اخلاص است. درک توحید را ویژه دل‌ها قرارداد و آنچه را عقل بدان پی می‌برد، در اندیشه‌ها ظاهر نمود. خدایی که رؤیتش با دیدگان، و صفش با زبان‌ها و درک کیفیتش با اوهام و خیال‌ها ناممکن است. اشیا را بی‌آنکه مسبوق به سابقه‌ای باشند، آفرید. و آنها را بدون آنکه از نمونه‌هایی الگو گرفته باشند، ایجاد نمود. همه را به قدرت خود هستی بخشید و به مشیت خود آفرید. بی‌آنکه به وجود آنها نیازمند باشد و صورت بخشیدن به آنها برای وی سودی داشته باشد. مگر آنکه اثباتی باشد بر حکمتش، و اشارتی باشد بر طاعتش و اظهاری برای قدرتش و عبودیتی برای مخلوقاتش و تحکیمی برای دعوتش. آن‌گاه بر طاعت خویش پاداش قرار داد و بر معصیت خویش، کیفر مقدر فرمود جهت دورسازی بندگان از عذابش و سوق‌دادن آنان به مسیر بهشتش.<sup>۱</sup>

و نیز در شهادت بر نبوت پدر بزرگوارش فرمود:

گواهی می‌دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده خداست. او را پیش از فرستادن به رسالت برگزید و پیش از گزینش، بلند مقام ساخت و پیش از مبعوث گرداندن، مصطفی گردانید آن‌گاه که موجودات در غیب، مکنون و پوشیده بودند و در پرده‌های هولناک مصون بودند و به نهایت نیستی مقرون؛ چون خداوند به عاقبت امور آگاه بود و به حوادث روزگار احاطه داشت و به مواقع امور محیط و مسلط بود. خداوند محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت، جهت اتمام امرش و عزیمتی باشد جهت امضای حکمش و تنفیذی بر مقدرات حتمی‌اش. آن‌گاه که امت‌ها را در دینشان پرتفرقه یافت و آنها را بر آتش معتکف دید، چه، پرستشگر بت‌های خود، و منکران خدا با وجود شناخت او بودند. پس خداوند به وسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله ظلمات آنها را روشن کرد، مبهمات را از دل‌های آنها برداشت و پرده‌های تیرگی را از دیدگان‌شان زدود. پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت انسان‌ها به پا خواست، آنها را از گمراهی نجات داد، از کوردلی به بصیرت رساند، آنان را به دین استوار هدایت کرد و به صراط مستقیم دعوت فرمود تا وقتی که خداوند او را به سوی خود فراخواند...<sup>۱</sup>





## حضرت زهرا علیها السلام

### و دفاع از رسالت و ولایت

چنان‌که گذشت، برخی روایات، حضرت فاطمه علیها السلام را شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله وصف کرده‌اند؛ اما آیا این شباهت، فقط در صفات ظاهری مانند رنگ، چهره و دیگر مشخصات ظاهری بوده است؟ قطعاً چنین نیست، بلکه مراد از آن، شباهت در صفات انسانی و خصوصیات ایمانی مانند راستگویی، ترس از خدا، شوق به عبادت، داشتن تعهد انسانی و مسئولیت‌پذیری بوده است. یکی از وجوه شباهت حضرت فاطمه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله، مجاهدت‌های حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از حق و حقیقت است که این موضوع، در دوره‌های مختلف زندگانی آن حضرت جلوه‌گر است؛ به‌طوری‌که می‌توان نمونه‌هایی از این مجاهدت‌ها را در دوران رسالت و پس از آن برشمرد.

## الف) دفاع از رسالت

در این دوران، به‌ویژه پس از وفات حضرت خدیجه، حضرت زهرا علیها السلام مراقب پدر بزرگوارش بود و در شناخت توطئه‌های دشمنان و خنثا کردن آنها تلاش می‌کرد. ابن عباس نقل می‌کند:

هنگامی که مشرکان قریش، در حجر اسماعیل گرد آمدند و با هم قرار گذاشتند که با آمدن محمد صلی الله علیه و آله هر کدام ضربه‌ای به او وارد کنند و حضرت را از بین ببرند، حضرت فاطمه علیها السلام از ماجرا خبردار شد و خدمت پدر رسید و عرض کرد: «ای پدر، مشرکان قریش علیه شما در حجر جمع شده‌اند». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دخترم تو در خانه باش»، سپس خارج شد و به مسجد الحرام رفت. مشرکان با دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله سرهای خود را به زیر افکندند. رسول خدا صلی الله علیه و آله مستی ریگ به سوی آنان پرتاب کرد و فرمود: «رویتان سیاه باد».

راوی گوید: «به احدی از آنان، ریگی اصابت نکرد، مگر آنکه در جنگ بدر هلاک شد».<sup>۱</sup>

بنابر شواهد دیگر، آن‌گاه که مشرکان، به رسول خدا صلی الله علیه و آله آسیب می‌رساندند، حضرت فاطمه علیها السلام با دست‌های کوچک خود، خاک‌ها و حتی خون را از چهره مبارک پدر

پاک می‌کرد.<sup>۱</sup> حضرت زهرا علیها السلام در شعب ابی طالب نیز همراه پدر بود و در مشکلات این دوره از رسالت، با رسول خدا صلی الله علیه و آله شریک شد. در سن هشت سالگی در شمار مهاجران قرار گرفت، در بسیاری از جنگ‌ها از جمله بدر و احد حضور داشت، به یاری مجروحان شتافت<sup>۲</sup> و در نهایت، برای دفاع از رسالت، به خصوص مراقبت از پدر، به «ام اییها» ملقب گردید.<sup>۳</sup>

### ب) دفاع از ولایت

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله دوران سختی از زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام فرا رسید. از دست دادن پدر از یک‌سو و ظلم‌هایی که به او و علی علیه السلام روا داشتند از سوی دیگر، فشارهای بسیاری را متوجه زهرا علیها السلام کرد. با این حال آن حضرت لحظه‌ای از حق‌طلبی و دفاع از حریم ولایت دست نکشید. روایات بسیاری وارد شده است که آن حضرت، به دلیل غصب فدک، به ابوبکر غضبناک شد و از او فاصله گرفت و از صحبت کردن با خلیفه خودداری کرد تا آنکه از دنیا رفت.<sup>۴</sup> ابن اثیر در کتاب «منال الطالب»

۱. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۶؛ حیاة فاطمه علیها السلام، صص ۱۱ و ۲۲۱ به نقل از ابن حنبل.

۲. ر.ک: الطبقات الكبرى.

۳. ر.ک: فاطمة الزهرا شخصیت‌ها و ظلماتها، صص ۳۳ - ۴۰.

۴. الصحيح، ج ۵، صص ۸۶ و ۲۵۲.

تصریح می‌کند که حضرت زهرا علیها السلام برای شکایت و دادخواهی از ابوبکر، دو خطبه ایراد کرد: یکی از خطبه‌ها به روایت زینب، دختر علی علیه السلام چنین آغاز می‌شود: «... ثُمَّ قَالَتْ أَنَا فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ أَقُولُهَا عَوْدًا عَلَى بَدءِ...»<sup>۱</sup>

همچنین در جمع مهاجران و انصار، چنان خطابه‌ای بیان فرمود که همگان به گریه افتادند. آن حضرت پس از حمد و ثنای الهی که با این عبارات: «الحمد لله على ما انعم و له الشكر على ما اهتم و الثناء بما قدم من عموم نعم ابتداءها و...» آغاز می‌شد، فرمود:

ای پسر ابی قحافه، آیا در کتاب خدا وارد شده است که تو می‌توانی از پدر خود ارث ببری و من نمی‌توانم؟! قطعاً سخنی افتراگونه گفته‌ای. آیا به عمد کتاب خدا را ترک کرده و دستورات آن را پشت‌گوش انداخته‌ای که می‌فرماید: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾ یا حضرت زکریا از خداوند فرزندی طلبید که از او و آل یعقوب ارث برد؟ و...<sup>۲</sup>

همچنین برای دفاع از حریم ولایت، آن حضرت، شب‌ها با انصار دیدار می‌کرد و خبرهای بیعت مردم با علی علیه السلام را در غدیر خم باز می‌گفت. انصار می‌گفتند: «اگر

۱. رک: احراق بیت فاطمه، غیب غلامی، صص ۶۸ - ۷۵ به نقل از منال

الطالب و مراجع دیگر.

۲. رک: فاطمة بين النبوة والامامة، ص ۱۳۷؛ السيدة فاطمة الزهراء علیها السلام،

قبل از بیعت با ابوبکر می دانستیم، از بیعت با او خودداری می کردیم». علی علیه السلام می فرمود: «آیا توقع داشتید که بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر زمین گذاشته و دعوی خلافت راه اندازیم؟» و حضرت زهرا علیها السلام در تأیید علی علیه السلام می فرمود: «ابوالحسن جز همان کاری که شایسته بود، انجام نداد و این قوم هم، کاری انجام دادند که خدا به حساب آنان خواهد رسید».<sup>۱</sup>

به هر حال، نشانه‌های حق‌خواهی حضرت فاطمه علیها السلام فراوان‌تر از آن است که در جملات و عبارات محدودی بیان شود. بلکه مجال وسیع‌تری را می‌طلبد که امید است توفیق آن فراهم آید.

---

۱. السیدة فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۱۳۵.



## پاکدامنی و عفاف حضرت زهرا علیها السلام

از شاخص‌های ایمان در شخصیت حضرت زهرا علیها السلام که به خصوص برای بانوان درس‌آموز است، عفاف و پاکدامنی آن حضرت است. عفاف یعنی پارسایی و پاکدامنی و حفظ خود از هرگونه لغزش و آلودگی. حضرت فاطمه علیها السلام طبق آیه: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب: ۳۳) به زینت عصمت آراسته بود<sup>۱</sup> که متضمن پاکی مطلق او از هر آلودگی است. پاکدامنی حضرت مریم در آیاتی مانند: ﴿يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ...﴾ (آل عمران: ۴۲) و ﴿مَرْيَمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا...﴾ (تحریم: ۱۲) مورد گواهی پروردگار عالم قرار گرفته است. در این زمینه، عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

---

۱. رک: المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲ و نیز همین مقاله: منظومه اعتقادی حضرت زهرا.

إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ.<sup>۱</sup>  
 فاطمه دامن خود را [از هر آلودگی] حفظ کرد و خداوند  
 نیز ذریه او را بر آتش حرام کرد [از آتش حفظ کرد].  
 مجلسی به نقل از «نوادر» راوندی با سند خود از  
 علی علیه السلام نقل می‌کند:

روزی، شخص ناینبایی برای ملاقات و ورود به منزل  
 حضرت زهرا علیها السلام اجازه خواست. حضرت در حجاب  
 شده و اجازه فرمود. پیامبر صلی الله علیه و آله از زهرا علیها السلام پرسید: «چرا در  
 حجاب شدی با آنکه او تو را نمی‌بیند؟» حضرت عرض  
 کرد: «اگر او مرا نمی‌بیند من که او را می‌بینم. در ضمن،  
 قادر به استشمام بو است». در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:  
 «گواهی می‌دهم که تو پاره تن منی».<sup>۲</sup>

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود  
 از علی علیه السلام نقل کرده است:

روزی، رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر اصحاب را درباره وضعیت  
 زن جويا شد. گفتند: «زن به منزله عورت و ناموس  
 ماست». رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال دیگری مطرح کرد: «چه  
 هنگامی زن نزدیک‌ترین فاصله را به [درگاه] خدا خواهد  
 داشت؟» ما برای این سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخی نداشتیم.  
 هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام از این سؤال با خبر شد، به

۱. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۳؛ مناقب اهل البیت، ص ۴۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱؛ مناقب اهل البیت، ص ۴۴۶.



علی علیه السلام عرض کرد: «نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برو و به او خبر بده که نزدیکترین حالت زن به پروردگار خود، زمانی است که او در کنج خانه‌اش مستقر شود». رسول خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن این پاسخ فرمود: «حقا که فاطمه پاره تن من است».<sup>۱</sup>

از روایات اخیر، نباید تصور کرد که تفکر اسلام، نشاندن زن در گوشه‌ای از خانه و قطع رابطه با جامعه است؛ زیرا با توجه به سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام و نیز، سیره دختر گرامی‌اش، حضرت زینب که حضور اجتماعی قوی در صحنه عاشورا و حوادث پس از آن داشت، روشن می‌گردد که مراد از این‌گونه روایات، اجتناب زن از حضور زاید در جامعه و اختلاط غیرضرور با نامحرم است که به هر جهت، به شخصیت ایمانی زن آسیب می‌رساند.

۱. مناقب اهل‌البیت، ص ۴۴۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۱ به نقل از راوندی.



## بررسی سیره عبادی حضرت زهرا ع

از شاخص‌های ایمان در شخصیت مؤمن، سیره عبادی اوست. عبادت نیز، از مؤثرترین روش‌ها برای رسیدن به کمالات انسانی و مقامات معنوی است که هیچ‌کس، حتی رسول خدا ص از آن بی‌نیاز نبود؛ چنان‌که خدای منان خطاب به پیامبر خود می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ (اسراء: ۷۵)

و پاسی از شب را [از خواب برخیز] و به تهجد (نماز و قرآن خواندن) پرداز. این یک وظیفه اضافی برای توست. امید است که پروردگارت تو را به مقامی پسندیده برانگیزد.

رسول خدا ص نیز، شب‌ها ساعات طولانی را به راز و نیاز با پروردگار خود به سر می‌برد.<sup>۱</sup>

حضرت فاطمه علیها السلام، دست پرورده پیامبر صلی الله علیه و آله از شوقی بی‌مثال، برای عبادت پروردگار عالم برخوردار بود. برای این موضوع، شواهد بسیاری وجود دارد؛ از جمله آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيْمَانًا إِلَى مُشَاشِمِهَا تَفَرَّغَتْ لِبِطَاعَةِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

خداوند قلب، جوارح و عمق وجود دخترم را از ایمان پر ساخته و وجود او مستغرق در طاعت خداوند است.

در روایتی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف عبادت حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

هنگامی که فاطمه علیها السلام در محراب خود به عبادت برمی‌خیزد، نور او برای ملائکه آسمان‌ها پرتوافکن می‌شود، همانند پرتوافکنی نور ستارگان برای اهل زمین.<sup>۲</sup>

فرزندش امام حسن علیه السلام صحنه عبادت مادر را در شب جمعه این‌گونه وصف می‌کند:

مادرم را دیدم که در شب جمعه، به عبادت ایستاد، مرتب در حال رکوع و سجود بود تا آنکه روشنایی صبح سر زد. می‌شنیدم که مردان و زنان مؤمن را دعا می‌کرد، آنها را با نام می‌خواند و برایشان دعا می‌کرد؛ ولی در حق

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۶ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب.

۲. امالی، صدوق، مجلس ۲۴، ص ۱۰۰.

خود دعا نمی کرد. گفتم: «ای مادر چرا برای خود دعا نمی کنی آن طور که برای دیگران دعا می کنی؟» فرمود: «پسرم! اول همسایه، سپس اهل خانه».<sup>۱</sup>

نکته دیگر در سیره عبادی حضرت زهرا (ع.ا.س) آنکه آن بزرگوار ساعات پایانی روز جمعه را به دعا کردن اختصاص می داد و در ماه رمضان نیز، به شب زنده داری دهه آخر - چونان رسول خدا (ص.ا.ع) - مداومت داشت و همه ساکنان خانه را به احیای شب های قدر ترغیب می کرد. آن گاه خود نیز به دعا و عبادت مشغول می شد.<sup>۲</sup>

حسن بصری می گوید: «در بین امت اسلام، عبادت کننده ای چون فاطمه زهرا (ع.ا.س) ظاهر نشد. او چنان بر اقامه نماز مداومت کرد که پاهایش متورم شد».<sup>۳</sup>

بنابر روایات، رسول خدا (ص.ا.ع) دستورالعمل هایی برای فاطمه زهرا (ع.ا.س) صادر کرد تا با اجرای آنها روحیه عبادی آن حضرت تازه و پرنشاط باقی بماند. یکی از آن موارد، اعطای تسبیح معروف است. در اهمیت این تسبیح همان بس که امام باقر (ع.ا.س) فرمود:

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنْ التَّمَجِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ (ع.ا.س) وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۱ و ۸۲ به نقل از علل الشرایع.

۲. همان، ج ۹۴، ص ۱۰؛ اعلام الهدایه، ص ۴۲.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۷۶ و ۸۴.

### فاطمه<sup>۱</sup>.

خداوند از جهت تمجید، به چیزی چون تسبیح فاطمه علیها السلام مورد عبادت قرار نگرفته و اگر ذکر دیگری برتر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به دختر خود هدیه می‌کرد.

در روایت دیگر، امام صادق علیه السلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را از مصداق‌های ذکر کثیر اعلام کرد<sup>۲</sup> که خداوند در آیه: ﴿ادْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (احزاب: ۴۰) آن را از مؤمنان خواسته است.

دستورالعمل عبادی دیگری که پیامبر صلی الله علیه و آله برای حضرت زهرا علیها السلام صادر کرد، آموزش اذکار قبل از خواب بود. حضرت، خود نقل می‌کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من وارد شد در وقتی که من برای استراحت بستر پهن کرده بودم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای فاطمه [سعی کن] نخوابی، جز آنکه چهار کار انجام دهی. قرآن را ختم و انبیا را شفیع خود کنی، مؤمنان را از خود راضی کرده و حج و عمره گزارده باشی».

پیامبر صلی الله علیه و آله این را گفت و سپس خود به نماز و مناجات مشغول شد. من صبر کردم تا نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله به پایان

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۴ به نقل از الکافی.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۰۰.

رسید. آن گاه گفتم: «ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا به چهار چیز امر فرمودی که انجام دادن آن در هیچ شرایطی میسر نیست». حضرت تبسمی کرده، فرمود: «هر گاه سه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخوانی، مانند آن است که قرآن را ختم کرده‌ای؛ چون بر من و پیامبران قبل از من، صلوات نثار کنی، ما در روز قیامت شفیعان تو خواهیم بود؛ آن گاه که برای مؤمنان طلب مغفرت کنی، آنان از تو راضی خواهند گشت و چون به ذکر سبحان الله و الحمد لله و لاله الا الله و الله اکبر مداومت کنی، مثل آن است که حج و عمره گزارده‌ای».<sup>۱</sup>

### مصدق‌هایی از عبادت حضرت زهرا (علیها السلام)

حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه‌ای می‌فرماید:

خداوند ایمان را مایه تطهیر شما از شرک قرار داد و نماز را وسیله دوری شما از کبر و روزه را سبب تثبیت اخلاص و حج را مایه استحکام دین و عدالت را سبب پیوستگی دل‌ها، و اطاعت از ما را مایه انتظام ملت، و امامت ما را مایه ایمنی از تفرقه و جهاد را مایه عزت اسلام و صبر را عامل کمک به نیل ثواب و امر به معروف و نهی از منکر را وسیله‌ای برای اصلاح عامه (جامعه) و نیکی به والدین را مانع از [نزول] خشم الهی و صله ارحام

۱. اعلام‌الهدایه، لجنة التحقیق، ص ۲۱۳ به نقل از خلاصه الاذکار.

را عامل طول عمر و افزایش نعمت و قصاص را ضامن  
حفظ نفوس و وفا به نذر را وسیله‌ای برای دستیابی به  
آمزش و...<sup>۱</sup>

از این خطبه، چنین برمی‌آید که آن حضرت، در مسیر  
عبادت پروردگار، به مصداق‌های کامل آن اشراف داشته  
است و برای هر عبادتی فلسفه‌ای قائل بوده و انجام دادن  
آن عبادت را عاملی برای رسیدن به کمالات معنوی  
می‌دانست. آن بزرگوار، عامل به تمام عباداتی بود که از  
لزوم انجام دادن آن سخن گفته است. با این حال در سیره  
عبادی حضرت زهرا علیها السلام انجام دادن برخی عبادات، تبلور  
بیشتری دارد که از جمله آنها می‌توان به گذشت در راه  
خدا و انفاق مداوم اشاره کرد.

### گذشت و انفاق در سیره عبادی حضرت زهرا علیها السلام

به طوری که گذشت، براساس مفهوم آیات سوره  
دهر (۵-۲۲) حضرت فاطمه علیها السلام از مصداق‌های ابرار است.  
ابرابری که به نذر خود وفا می‌کند<sup>۲</sup> و هنگام ایفای نذر - که  
انجام سه روز روزه بود - افطاری خود را کریمانه به  
مسکین، یتیم و اسیر ایثار می‌کند و در این کار، جز رضای

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۹۹.

۲. در این آیات مراد از نذر، ادای سه روز، روزه بود که حضرت علی و فاطمه  
برای شفای حسنین، به راهنمایی پیامبر نذر کرده بودند (ر.ک: الکشاف،  
ج ۴، ص ۶۷۰).



خداوند قصد و نیتی ندارد.<sup>۱</sup>

انفاق‌گری حضرت زهرا علیها السلام نیز ریشه در تربیت ویژه آن حضرت به دست پیامبر صلی الله علیه و آله دارد. در این زمینه، شواهد بسیاری وجود دارد؛ از جمله محمد بن قیس می‌گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از سفر برمی‌گشت، نخستین کسی که ملاقات می‌کرد، حضرت زهرا علیها السلام بود و مدتی طولانی نزد او اقامت می‌کرد. در یکی از سفرها، رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از برگشتن بر حضرت زهرا علیها السلام وارد شد و مشاهده کرد که آن حضرت دست‌بند، گردن‌بند و گوشواره‌ای به خود آویخته و پرده‌ای نیز بر در منزل نصب کرده است. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از لحظه‌ای در حالی که ناراحتی از سیمای او هویدا بود، از منزل فاطمه علیها السلام خارج شد. حضرت فاطمه علیها السلام که متوجه ناراحتی پدر شده بود و علت ناراحتی را حدس زده بود، زینت‌آلات خود و پرده را برداشت و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و به قاصد گفت: «به پیامبر صلی الله علیه و آله بگو که دخترت سلام رسانده و عرض می‌کند که اینها را در راه خدا انفاق کن». قاصد

۱. رک: الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰؛ لباب التأویل، ج ۴، ص ۳۷۸؛ المستدرک، ج ۶، ص ۴۱۲؛ معالم التنزیل، ج ۴، ص ۴۲۸؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج ۴، ص ۴۶۶؛ مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۲۴۴؛ فتح القدر، ج ۷، ص ۳۴۹؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، صص ۲۲۹ - ۳۱۰ در روایات گوناگون.

گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشاهده این صحنه سه بار فرمود:  
«پدرش فدایش گردد. دنیا متعلق به محمد و آل محمد  
نیست...»<sup>۱</sup>

البته، گفتن این مطلب ضروری است که استفاده از  
وسایل زینتی برای بانوان یا تزئین خانه با پرده و امثال آن  
اشکالی ندارد و قرآن نیز، استفاده از روزی‌های پاک و  
زینت‌های دنیا را برای مؤمنان مجاز دانسته است<sup>۲</sup>؛ اما این  
سیره تربیتی از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله برای حضرت زهرا علیها السلام به  
جهت قطع هرگونه وابستگی به دنیا و تعلقات مادی آن  
بود. حضرت فاطمه علیها السلام از این بابت، شخصیتی همانند  
حضرت علی علیه السلام داشت که دارای سیره معیشتی ویژه‌ای  
بود و به کمترین حد از موهبت‌های زندگانی راضی بود و  
در همان حال، خطاب به عثمان بن حنیف فرمود:

آگاه باش! امام شما از دنیای شما به دو جامه فرسوده و  
دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی  
چنین کاری را ندارید؛ اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و  
پاکدامنی و راستی، مرا یاری کنید.<sup>۳</sup>

اسماء بنت عمیس به امام سجاد علیه السلام عرض می‌کند:

نزد جده‌تان حضرت فاطمه علیها السلام بودم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰ به نقل از امالی صدوق با اندک تخلص.

۲. آنجا که می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (اعراف: ۳۱)

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

او وارد شد و در گردن او گردن‌بندی از طلا - که علی علیه السلام از اندوخته ... برای او تهیه کرده بود - مشاهده کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به دختر خود فرمود: «این موضوع که مردم بگویند فاطمه دختر محمد است تو را مغرور نکند، درحالی که لباس جباران را به تن کرده‌ای». حضرت، بلافاصله گردن‌بند را از خود جدا ساخته، آن را فروخت و با پول آن برده‌ای خرید و آزاد کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار فاطمه مسرور گشت.<sup>۱</sup>

و طبق حدیث دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سپاس خدایی را که فاطمه علیها السلام را از آتش نجات داد».<sup>۲</sup> نتیجه تربیت عملی پیامبر صلی الله علیه و آله آن بود که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله مزرعه فدک را به حضرت زهرا علیها السلام بخشید، بدون آنکه تغییری در روحیه آن بزرگوار پدید آید، عواید سالانه آن را در راه خدا انفاق می‌کرد. بنابراین برخی تحقیقات، درآمد فدک، سالیانه بالغ بر ۲۴ هزار درهم یا ۲۰ الی ۱۲۰ هزار سکه بوده است که حضرت، هر ساله به اندازه قوت خانوار خود از آن برمی‌داشت و بقیه را بین فقرا تقسیم می‌کرد.<sup>۳</sup>

از نتایج انفاق حضرت زهرا علیها السلام افزایش مراتب ایمانی

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷ به نقل از صحیفة الرضا.

۲. المستدرک، ج ۳، ص ۳۶۴.

۳. پژوهشی در مسئله فدک، مرضیه شیرخدايي، ص ۱۴ با استفاده از سفینه البحار، قمی؛ بحار الانوار، مجلسی؛ معجم البلدان، حموی و ...

آن حضرت و تکامل بعد معنوی شخصیت ایشان بود؛ به‌گونه‌ای که گرچه در ظاهر، دست آن بانو از موهبت‌های دنیوی کوتاه و خالی ماند و گهگاه خود و فرزندانش گرسنگی را هم تحمل می‌کردند؛<sup>۱</sup> اما در عوض آن بزرگوار نیز همانند حضرت مریم مشمول رزق آسمانی قرار گرفت. در این‌باره روایات بسیاری در دست است.<sup>۲</sup>

نمونه‌ای از آن را زمخشری به مناسبت تفسیر آیات مربوط به سرگذشت حضرت مریم نقل کرده است. این حدیث نشان می‌دهد که برای حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز طعام آسمانی نازل می‌شد و گاهی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از دختر خود سؤال می‌کرد که این طعام از کجا رسیده است، آن حضرت عرض می‌کرد: ﴿هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران: ۳۷)؛ پس حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) این‌گونه خدا را سپاس گفت:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَكَ شَبِيهَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.<sup>۳</sup>  
سپاس خدایی را که تو را همانند بانوی برگزیده  
بنی اسرائیل قرار داد.

۱. فضائل فاطمة الزهراء (علیها السلام)، ص ۶۴، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷ به نقل از الخرائج و الجرائح راوندی.  
۲. رک: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹؛ فضائل فاطمة الزهراء (علیها السلام)، صص ۶۶ - ۶۸.  
۳. الکشاف، ج ۱، ص ۳۵۹.

## شکوه و جلال فاطمه علیها السلام

### در قیامت

روایات بسیاری از شکوه و جلال حضرت فاطمه علیها السلام در قیامت خبر می‌دهد. این روایات از سویی بیانگر مقام و منزلت حضرت فاطمه علیها السلام نزد خداوند است، از سوی دیگر، قدرت معنوی آن حضرت را در مقابل خلاق در روز محشر نشان می‌دهد، به‌ویژه آنکه با وجود حضرت زهرا علیها السلام نوعی صف‌بندی بین دوستان و دشمنان کینه‌جوی آن بزرگوار نیز به وجود می‌آید.

محب‌الدین طبری از ابویوب انصاری آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

زمانی که قیامت برپا می‌شود، منادی از عرش ندا می‌کند:  
«ای اهل محشر، سرهای خود را فرو بیاورید و چشم‌ها را ببندید که فاطمه علیها السلام، دختر محمد صلی الله علیه و آله از صراط می‌گذرد»؛ پس فاطمه علیها السلام در حالی که هفتاد هزار کتیز از

حورالعین او را همراهی می‌کنند، مثل برق درخشنده از صراط عبور می‌کند.<sup>۱</sup>

حدیث یادشده، با تعبیر متفاوت، اما مضمون کاملاً مشابه، در مدارک معتبر اهل سنت وارد شده است. حاکم نیشابوری، این حدیث را از قول علی علیه السلام و او از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است: «اذا كان يوم القيامة قيل يا اهل الجمع عُضُوا ابصاركم و تَمُرَّ فاطمة بنتُ رسولِ الله صلی الله علیه و آله [ صلی الله علیه و آله ] فَتَمُرُّ و عَلَيْهَا رِبَطَانِ خَضِرَاوَانٍ». وی سپس توضیح می‌دهد که این حدیث «صحیح الاسناد» است؛ اما بخاری و مسلم از ذکر آن خودداری کرده‌اند.<sup>۲</sup>

فلسفه این شکوه و جلال چیست که در روز قیامت تجلی پیدا می‌کند؟ در برخی از روایات آمده است که در آن روز حضرت فاطمه علیها السلام درحالی که پیراهن آغشته به خون فرزندش، حسین بن علی علیه السلام را در دست دارد، خدای جبار را به داوری و قضاوت بین او و قاتلان فرزندش فرا می‌خواند و نیز از خداوند شفاعت دوستداران و گریه‌کنندگان بر حسین علیه السلام را می‌طلبد.<sup>۳</sup> همچنین مطابق

۱. فاطمه الزهرا علیها السلام در کلام اهل سنت، ص ۲۶۱ به نقل از ذخائرالعقبی، الصواعق المحرقة، نورالابصار و ... .

۲. مسند فاطمة الزهرا و ما ورد فی فضلها، صص ۱۲۹، ۱۳۱ و ۱۳۵، نیز ر.ک: السیدة فاطمة الزهرا علیها السلام.

۳. فاطمة الزهرا در کلام اهل سنت، ص ۲۶۲ به نقل از منابع متعدد از جمله اسدالغابه، کفایه الطالب، میزان الاعتدال و ... .

این روایات، همگان تاویل این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را که خطاب به فاطمه علیها السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِحُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ»<sup>۱</sup>، به عیان خواهند دید. در این روایات، همچنین بر همراهی فاطمه زهرا علیها السلام در ورود به بهشت با رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی و حسنین علیهم السلام، نخستین بهشتیان، تأکید شده و برخی نیز، حاوی بشارت برای شیعیان است. در حدیثی، علی علیه السلام نقل می‌کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که نخستین کسانی که به بهشت پا می‌گذارند من، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام خواهیم بود. من گفتم: «پس تکلیف دوستداران ما چه می‌شود؟» حضرت فرمود: «آنان نیز به دنبال شما خواهند بود.»<sup>۲</sup>

نیز علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود: «در بهشت، درجه‌ای است که در آن «وسیله» را طلب کنید». اصحاب سؤال کردند، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چه کسانی با تو [و در آن درجه همراه شما] هستند؛ حضرت فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام».<sup>۳</sup>

۱. مسند فاطمة الزهرا و ما ورد فی فضلها، ص ۱۷۶.

۲. همان، صص ۱۶۷ و ۱۱۸.

۳. همان، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.





## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الف) سیمای معنوی حضرت زهرا علیها السلام از طریق بررسی آیات قرآن و بهره‌گیری از روایات تفسیری و غیرتفسیری که در منابع معتبر حدیثی، تفسیری، سیره و تاریخ اهل سنت وارد شده، به نحو جامع، قابل بررسی و شناخت است.

ب) براساس آیات قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام از جنبه‌های گوناگون، از جمله اراده الهی در چگونگی خلقت وی، برخوردار از تربیت مستقیم پیامبر صلی الله علیه و آله، توفیق همسری با علی علیه السلام و در نتیجه بقای نسل پیامبر صلی الله علیه و آله، برخوردار از شرافت مادری نسبت به حجت‌های الهی و...، شخصیتی برگزیده و مؤید به توفیق الهی بود.

ج) حضرت زهرا علیها السلام محور اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، محبوب‌ترین انسان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، سرور بانوان دو عالم، معصوم از هر لغزش و خطا، معیاری در تجلی رضا

و خشم الهی، تجسم تقوی و معنویت، الگویی شایسته برای به کمال رسیدن انسان در دنیا و وسیله‌ای دلسوز و مهربان برای شفاعت و نجات مؤمنان در آخرت به‌شمار می‌رود.

د) حضرت فاطمه علیها السلام در چهارچوب عمل به ضوابط شرعی، الگوی عملی انجام همه عبادات اسلامی است. در عین حال مداومت بر نماز، سخاوتمندی در انفاق، ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود و جهاد فکری و عملی در مقابله با ظلم و باطل، از مهم‌ترین محورهای عبادت در سراسر دوران حیات او به‌شمار می‌رود.

## كتابنامہ

✽ قرآن کریم

✽ نهج البلاغه

۱. الانتقان فى علوم القرآن، جلال الدين سيوطى، منشورات رضى، بيدار، عزيزى، ۱۳۶۳ھ.ش.
۲. الاحتجاج، احمد بن على طبرسى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۴۱۰ھ.ق.
۳. احراق بيت فاطمه فى الكتب المعتمدة عند اهل السنه، حسين غيب غلامى، مطبعة الهادى، ۱۳۷۵ھ.ش.
۴. اسد الغابة فى معرفة الصحابه، ابن اثير، بيروت، دارالكفر، ۱۴۰۹ھ.ق.
۵. اعلام الهدايه، لجنة التحقيق، المجمع الجهاني، مركز الطباعة والنشر، ۱۴۲۲ھ.ق.
۶. اعلام الورى باعلام الهدى، فضل بن حسن طبرسى، تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ھ.ق.
۷. آفاق تفسير، محمد على مهدوى راد، نشر هستى نما، ۱۳۸۲ھ.ش.
۸. الامالى، شيخ صدوق، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ھ.ق.
۹. الامامة و السياسه، ابن قتيبه دينورى، قم، منشورات رضى، ۱۳۶۳ھ.ش.

۱۰. انوار التنزیل و اسرار التاویل، ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۱. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۱۲. البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، بیروت، دارالمعرفه ۱۳۹۱ هـ.ق.
۱۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی، بیروت، دارالزهرا، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۴. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، بیروت، دار صادر، [بی تا].
۱۵. التیان الجامع لعلوم القرآن، محمد بن حسن طوسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۶. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۵ هـ.ق.
۱۷. تفسیر القرآن الحکیم مشهور به تفسیر المنار، سید محمد رشید رضا و شیخ محمد عبده، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۱۸. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۹. تفسیر المراغی، احمد مصطفی مراغی، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۲۰. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۲۱. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، قم، مطبعه مهر، ۱۳۹۶ هـ.ق.
۲۲. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ.ق.

۲۳. جامع البيان عن تأويل آى القرآن، محمد بن جرير طبرى، بيروت، دارالمعرفة، [بى تا].
۲۴. الجامع الصحيح، مسلم بن حجاج نيشابورى، به تصحيح فؤاد عبدالباقي، بيروت، ۱۳۷۴ هـ.ق.
۲۵. حياة فاطمه عليها السلام، محمود شلبي، بيروت، دارالجيل، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۶. خصائص الزهراء، سيد ساجد مكى، بيروت، دارالولاء، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۲۷. خصائص امير المؤمنين، احمد بن شعيب نسايى، قم، دارالثقلين، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۲۸. الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، جلال الدين سيوطى، بيروت، دارالفكر، ۱۹۹۳ م.
۲۹. روح المعانى فى تفسير القرآن و السبع المثانى، سيد محمود آلوسى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۳۰. الزهراء فاطمة بنت محمد، عبدالزهرا عثمان محمد، بيروت، دارالفردوس، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۳۱. سخنى شيوا در برترى حضرت زهراء، سيد عبدالحسين شرف الدين، به ترجمه محمدرضا مهرى، بنياد معارف اسلامى، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۳۲. السيدة فاطمة الزهراء، محمد ييوى مهراى، بيروت، المكتب العصريه، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۳۳. سيرة المصطفى، هاشم معروف حسنى، قم، منشورات رضى، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳۴. السيرة النبويه، ابن هشام، بيروت، دارالقلم، [بى تا].
۳۵. شخصيت حضرت زهراء عليها السلام در قرآن از منظر اهل سنت، محمد يعقوب بشوى، بوستان كتاب، ۱۳۸۶ هـ.ش.

۳۶. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ه.ق.
۳۷. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت (علیهم‌السلام)، عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ ه.ق.
۳۸. الصحیح، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۳۹. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ه.ق.
۴۰. علل الشرایع، محمد بن علی (شیخ صدوق)، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ه.ق.
۴۱. علوم بلاغت و اعجاز قرآن، یدالله نصیریان، انتشارات سمت، ۱۳۷۸ ه.ش.
۴۲. غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام‌الدین نیشابوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ه.ق.
۴۳. فاطمة الزهراء در کلام اهل سنت، سید مهدی هاشمی، انتشارات حر، ۱۳۷۶ ه.ش.
۴۴. فاطمة الزهراء شخصیتها، ظلامتها، شیخ محمد هنداوی، بیروت، مؤسسه العارف للمطبوعات، ۱۴۲۳ ه.ق.
۴۵. فاطمة الزهراء فی القرآن، سید صادق حسینی شیرازی، بیروت، مؤسسه الفکر الاسلامی، ۱۴۱۱ ه.ق.
۴۶. فاطمة بین النبوة و الامامة، کمال معاش، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ ه.ق.
۴۷. فاطمه کوثر قرآن، محمد احسانی فر لنگرودی، نشریه علوم حدیث، پاییز ۸۲، شماره ۲۹.

۴۸. فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير، محمد بن على شوکانى، بيروت، دارالمعرفة، [بى تا].
۴۹. فضائل اهل البيت من فضائل الصحابه، احمد بن حنبل، به تحقيق: محمد كاظم محمودى، [بى جا]: انتشارات مجمع التقریب المذاهب، ۱۴۲۹ هـ.ق.
۵۰. فضائل فاطمة الزهراء، ابو حفص عمر بن احمد، ابن شاهين، بيروت، دارالكتاب الاسلامى، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۵۱. قرآن در اسلام، سيد محمد حسين طباطبايى، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۵۳ هـ.ق.
۵۲. الكافي، محمد بن يعقوب كلينى، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۳ هـ.ش.
۵۳. الكشف عن غوامض التنزيل، محمود بن عمر زمخشري، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۵۴. لباب التاء ويل، علاء الدين على بن محمد خازن.
۵۵. مباحثى در تاريخ و علوم قرآنى، مجيد معارف، تهران، نبأ، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۵۶. المبادئ العامة لتفسير القرآن كريم، محمد حسين على الصغير، بيروت، دارالمورخ العربى، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۵۷. مجمع البيان لعلوم القرآن، فضل بن حسن طبرسى، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵۸. مدارك التنزيل و حقايق التأويل، عبدالله بن احمد نسفى، بيروت، دارالنفائس، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۵۹. المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبد الله حاكم نيشابورى، بيروت، دارالکتب العلميه.

۶۰. مسند فاطمه الزهرا و ما ورد فی فضلها، جلال‌الدین سیوطی، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۶۱. المسند، احمد بن حنبل، بیروت، بیت‌الافکار الدولیه، ۲۰۰۵ م.
۶۲. معالم التنزیل، حسین بن مسعود فراء بغوی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۵ ه.ق.
۶۳. مفاتیح الغیب، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا].
۶۴. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۲ ه.ش.
۶۵. مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری، تصحیح: هلموت ریتز، چاپ سوم، [بی جا]، فرانز شتاکیز، ۱۴۰۰ ه.ق.
۶۶. الملل و النحل، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، بتخریج محمد بن فتح‌الله داران، مصر، [بی جا]، ۱۳۷۵ ه.ق.
۶۷. مناقب اهل‌البیت، ابن‌المغازلی، [بی جا]، المجمع‌العالمی لتقرب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۷ ه.ق.
۶۸. مناهل‌العرفان فی علوم القرآن، محمد عبدالعظیم زرقانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۶۹. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ ه.ق.
۷۰. نقد اخبار ازدواج مجدد امام علی (علیه السلام) در زمان پیامبر، مقالات و بررسی‌ها، رضیه سادات سجادی، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۸۲ زمستان ۷۴.